

# مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۸  
چهارشنبه ۵ شهریور ۱۳۵۹، بها: ۱۵ ریال

# مردم از تأخیر در معرفی دولت نگرانند

این واقعیت اکنون بیش از هر زمان دیگر آشکارتر میشود که، امپریالیسم آمریکا با بکارگرفتن تمام قوای اهریمنی دنیای سرمایه و تمامی نیروی جنبشی متحدان اروپائی و دست‌نشانده‌گان آسیائی و آفریقائی، توطئه عظیمی را برای انهدام جمهوری اسلامی ایران و به‌خون کشاندن انقلاب ایران، تدارک دیده و درصدد اجرای آنست. این توطئه عظیم، که ابعادش هر روز بواسطه وقایع پراکنده آشکارتر میشود، بحق نگرانی مردم انقلابی ایران و کلیه نیروهای علاقمند به سرنگشتن انقلاب و مولودش جمهوری اسلامی ایران را برانگیخته است.

شورای اسلامی و ادامه جو عدم تفاهم در میان مسئولین جمهوری اسلامی ایران، از یکطرف افکار و هشیاری این مسئولین را، که باید تمام و کمال متوجه این هدف فوری و اساسی باشند، که توطئه عظیم خطرناک امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را عقیم گذارند، بجانب درگیری‌های ناروای درونی هرز می‌برد و منحرف می‌سازد و وقت‌گرانی‌هایی را که باید صرف بسنج توده‌های مردم و کلیه نیروهای انقلابی، بیکجری رشتناسانی شبکه‌های توطئه و درهم کوبیدن آنها کرده، در مسیر خلاف مصالح انقلاب سوق میدهد.

در چنین شرایط پس حساسی که انقلاب ایران در یکی از نقاط عطف سرفروخته‌ساز خود قرار گرفته است، بیشک تجنح و تمرکز تمام نیروی مردم، بویژه مسئولین جمهوری اسلامی ایران، علیه این اقدامات تبهکارانه و براندازانه امپریالیسم آمریکا و متحدان و سرسپردگان خارجی و مزدوران داخلی، ضرورتی حیاتی و گریز ناپذیر کسب می‌کند، که هرگونه تعلل و سامحه در آن، ممکن است به‌عواقب وخیمی منجر گردد، که جبران آنها دشوار و یا حتی غیر ممکن سازد.

از طرف دیگر تأخیر در آغاز کار دولت آینده، که باید به شیوه‌های انقلابی، و با برنامه‌های علمی با انتخاب تدابیر قاطع و بنیادی بسوزحمتکشان و به زیان مستکبران، انتظارات بحق توده‌های محروم و زحمتکش را برآورده سازد و بدینسان جبهه انقلاب را تقویت و تحکیم کند، به امر حیاتی بسبب توده مردم، زیان میرساند و به فاشیائی، نوپیدی و بدبینی آنها دامن می‌زند.

## مهندس آشتیانی سرپرست شرکت ملی فولاد ایران:

از ماه‌های اول انقلاب تا کنون (ذوب آهن اصفهان) یکی از موسسات کارگری نادری بوده که وظایف خود را بنحوشایسته انجام داده است

توده‌های مردم می‌پندند که هرچه سریع‌تر دولت جمهوری اسلامی ایران، با برنامه‌های انقلابی بسوز استقلال، آزادی، ترقی و رفاه مردم مبین ما، به مجلس شورای اسلامی ایران معرفی شود و آغاز بکار کند.

### کشف شبکه جاسوسی امریکا و انگلیس در اصفهان و لزوم قاطعیت انقلابی در سرکوب توطئه‌های ضد انقلاب

### در صفحات بعد

### مائوئیسم - همکار امپریالیسم بر ضد انقلاب ایران

هشدار وزارت کار و امور اجتماعی رابه مالکین واحدهای تولیدی را کد مانده چگونه تلقی کنیم

### اتحادیه دهقانان چیست و چرا باید آن را تشکیل دهیم

### دانشجویان مسلمان پیر و خط‌امام: با کوچکترین حرکت نظامی آمریکا جاسوسان یکجارهسپار جهنم خواهند شد

مهندس آشتیانی سرپرست شرکت ملی فولاد ایران در دیدار با خبرنگاران در دفتر خود در اصفهان، در زمینه فعالیت‌های شرکت ملی فولاد اصفهان در زمینه ذغال‌سنگ و تسهیلات ذوب آهن اصفهان با خبرنگاران گفتگو کرد.

### آزادی فعالیت سیاسی برای همه گروه‌ها و سازمان‌های مؤمن به انقلاب

حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در مصاحبه مطبوعاتی هفتگی خود، که روز سوم شهریور در تالار مطبوعات مجلس برگزار شد، در پاسخ سؤال یکی از خبرنگاران مبنی بر علت جلوگیری از فعالیت سیاسی مجاهدین خلق، فدائیان خلق، حزب توده ایران و گروه‌های دیگر در شهرهای آبادان و خرمشهر، و اینکه مجلس در رابطه با فعالیت گروه‌های سیاسی موجود چه تصمیمی اتخاذ خواهد کرد، اظهار داشت که:

«من این را قبلاً گفته‌ام اگر در چارچوب قانون اساسی گروه‌ها حاضر به فعالیت سیاسی سالم باشند و قانون را مراعات نکنند، مجلس از فعالیت آنها حمایت نخواهد کرد و باید اجازه بدهیم که قانونی باشند و فعالیت نکنند...»

مشروط به مراعات قانون، مجلس تحقیقاً حمایت میکند.»

پاسخ رئیس مجلس شورای اسلامی، بویژه از آنجست امید به حکومت قانون را در دلها بارور می‌سازد که ایشان براساس قوه قانونگذاری قرار دارند. این پاسخ مورد تأیید کامل تمام گروه‌های سیاسی مؤمن به انقلاب و از جمله حزب توده ایران است، که خود به قانون اساسی جمهوری اسلامی رای مثبت داده و پیوسته اجرای قانون و استقرار نظم انقلابی را طلب کرده است.

ضوابط و معیارهایی که جهت اسلام رفسنجانی برای فعالیت قانونی گروه‌های سیاسی داخل نشان کرده‌اند، برای حزب ما مقبول و پذیرفتنی است، زیرا که فعالیت حزب توده ایران دقیقاً در این چارچوب و با مراعات آکید همین ضابطه‌ها و معیارها بوده است.

حزب ما براساس متسی اصول و انقلاب خود، از انقلاب ۲۲ بهمن و نظام برخاسته از آن، یعنی نظام جمهوری اسلامی ایران با تمام نیر و امکانات پشتیبانی کرده است، و این پشتیبانی نه مانور تبلیغاتی است، نه تاکتیک روز، نه عوام‌فریبی و نه نقشه ویژه، بلکه از آنجا نشأت می‌گیرد که انقلاب و نظام جمهوری اسلامی راه، انقلابی و نظامی مخالف با سلطه امپریالیسم، استقلال طلب، خلقی و خواهان بهروزی توده‌های محروم و زحمتکش تشخیص داده‌است.

حزب توده ایران در پشتیبانی از نظام جمهوری اسلامی، صداتی به شفافیت نور داشته است و در این رهگذر از هرگونه حسابگری و خود-محوربینی مبرا مانده و تنها محرك آن متسی اصولی و انقلابی آن بوده است، که دشمن هرگونه سلطه امپریالیسم و نواستعمار و خواهان سعادت و نیکی توده‌های محروم است که طی قرون بر آنان ستم رفته است.

اسناد صداقت و وفاداری ما به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران، بیش از سیصد شماره نامه «مردم»، ارگان مرکزی حزب است، که از خلال سطر سطر آن عشق عمیق توده‌ای‌ها به حفظ دستاوردهای انقلاب، تداوم و بهروزی آن متجلی است؛ شماره‌های مجله دنیای ارگان سیاسی و تئوریک کتبه مرکزی حزب است، که صفحات آن گواهی‌های وفاداری بنیه تر صفحه ۸

### دانشجویان مسلمان پیر و خط‌امام: با کوچکترین حرکت نظامی آمریکا جاسوسان یکجارهسپار جهنم خواهند شد

اسلامی ایران نمی‌بیند. ما ضمن هشدار به ملت میبای رزم و دلاوری ایران اعلام می‌کنیم از آنجاست که در حال حاضر مسئله جاسوسان آمریکا که نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری است تعیین کننده می‌باشد، لذا درصدد هستند که به‌نحو خود را از آثار مرگبار این جریان نجات دهند و قبل از اتخاذ تصمیم قاطع از طرف مجلس شورای اسلامی به خیال خام خود آنها را آزاد کنند ولی زهی خیال باطل که تا روشن شدن سرنوشت جاسوسان آمریکائی همچنان بطور سرسخت از آنها تکبهداری می‌کنیم و همانطور که امام امت فرمودند اگر تا روز تعیین تکلیف جاسوسان آمریکائی جهان‌خوار کوچکترین حرکت نظامی از خود نشان دهند حمله کنندگان و جاسوسان به یکجا رهسپار جهنم خواهند شد. ما در هر حال آماده‌باش کامل بوده و برای خنثی کردن هرگونه توطئه احتمالی بر آن شدید تا محل تکبهداری آنها را در شهرستان‌ها به جای نامعلوم دیگری منتقل کنیم در حال حاضر آن عده جاسوسانی که در شهرهای شیراز و گرگان، زنجان و قزوین تکبهداری شده‌اند به نقاط نامعلوم دیگری منتقل کرده‌ایم.

آمریکا باقی نگذاشته و بناچار دست به مانورهای احقانه نظامی در خلیج و تقویت نیروهای مزدور و وابسته در مرز عراق زده‌است... گویا توطئه رسوای کودتا را که با شکست منتضه‌شاه مواجه شد و باعث دستگیری و به هلاکت رسیدن عوامل و پایدی مزدوروش گشت از یاد برده‌است و هنوز به دنبال مطامع و شهوات شیطانی خود در تلاش است و راه‌به جایی نمی‌برد.

امروز که مبارزات دلارانه دانشجویان مسلمان، این فرزندان راستین اسلام در آمریکا - انگلیس - ایتالیا - فرانسه و سایر نقاط عالم و به‌غل و زنجیر کشیدن این عزیزان به دست مزدوران آمریکا در خود آمریکا، یا در دیگر کشورهای سر-سپرده آمریکا بیرون تا این ابرقدرت عالم‌خوار را به‌خاک رسوائی کشاند کارتر پلید راهی جز شکست انقلاب

# برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

# اتحاد شوروی در عمل نشان داده است که دوست و مدافع راستین انقلاب فلسطین است

که شما نخستین کسی بودید که همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام کردید و در برابر نقشه‌های امپریالیسم و صیونیسم و ارتجاع، که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین را داشتند، در کنار ما ایستادید. ما ... همواره کمک و امداد برادران سوسیالیست خود را و نیز کمکهای اتحاد شوروی را معتقد می‌شمیریم.»

یاسر عرفات هنگام دیدار خود از اتحاد شوروی، در پانزده سال گذشته، در پایان مذاکرات با رهبران شوروی اظهار داشت: «ما خوشحالیم که مبارزه ما در همین لنین بزرگ، یعنی اتحاد شوروی از قلمرو و حمایت کامل برخوردار است. سرزمینی که خلقهای آن برای نخستین بار راه آزادی و استقلال واقعی را به خلقهای جهان نشان داده‌اند. کمک‌های اتحاد شوروی به خلقهای عرب برای ما در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و صیونیسم، توان بخشی است. ما اعتقاد داریم که دوستی میان خلق فلسطین و اتحاد شوروی روز بروز مستحکمتر خواهد شد.»

ایوودر، سخنگوی سازمان آزادیبخش فلسطین، در پایان کار کنفرانس کشورهای عضو جبهه پایداری، که چندین پیش در طرابلس برگزار شد، در ارتباط با تحکیم روابط کشورهای عضو جبهه پایداری و اتحاد شوروی، به خبرنگاران گفت:

«دکترهای شرکت‌کننده در کنفرانس جبهه پایداری در آخرین جلسه خود، لزوم تحکیم روابطشان با کشورهای سوسیالیستی و در رأس آن اتحاد شوروی را مورد تأیید قرار دادند.»

اظهارات فوق بیانگر يك واقعیت است و آن اینکه: اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی در عمل نشان‌دهنده است که پیگیرترین مدافع حقوق و خواستهای خلق فلسطین و دیگر خلقهای جهان است. کمان‌این واقعیت زنده، یعنی چشم‌پوشی بر صفحات گرانبهای از اتحاد جنبش‌های رهایی‌بخش ملی و کشورهای سوسیالیستی در رزم مشترک علیه امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا!

شوروی در تمامی هم‌ردها، چه در صحنه نظامی و چه در صحنه سیاسی، چه از طریق رساندن اذوقه، دارو و اسلحه و چه در پشت تریبون‌های سازمان ملل و دیگر مجامع بین‌المللی، از حقوق مردم فلسطین و انقلاب فلسطین دفاع کرده‌است. دفاع اتحاد شوروی از انقلاب فلسطین نه‌خنده‌است و نه عوامفریبی. این دفاع نه مانور سیاسی است و نه تا تیتک. این دفاع یربنای اصول سیاست خارجی لنینی اتحاد شوروی انجام می‌گیرد، که پشتیبانی از جنبش‌های رهایی‌بخش ملی از ارکان آن است.

اتحاد شوروی بارها تأکید کرده‌است که یگانه راه حل مسئله فلسطین خروج و جدایی نظامی اسرائیل از تمامی سرزمین‌های اشغال‌شده و شناسایی حق تعیین سرنوشت خلق فلسطین و حق تشکیل يك دولت مستقل است.

در همین زمینه، در مذاکرات مهمی که در آبان ماه ۵۸، در مسکو، بین رهبران شوروی و یاسر عرفات انجام شد، اتحاد شوروی یکبار دیگر اعلام کرد که قاطعانه از مبارزه برحق خلق فلسطین علیه امپریالیسم و صیونیسم حمایت می‌کند.

اتحاد شوروی به شهادت تاریخ نشان داده است که هیچگاه از سیاست اصولی خود در مورد انقلاب فلسطین عقب‌نشسته است. از این روست که رهبران جنبش فلسطین به کرات پشتیبانی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای ترقی‌خواه از جنبش فلسطین را ارج نهاده‌اند و آنرا از جمله وثیقه‌های مطمئن کسب پیروزی‌نهائی خود خوانده‌اند. در این زمینه اظهارات رسمی رهبران سازمان آزادیبخش فلسطین موید این نکته است که اتحاد شوروی به آنچه گفته، عمل کرده‌است.

یاسر عرفات، رهبر سازمان آزادیبخش فلسطین، در پیامی که به مناسبت شصت و دومین سالگرد انقلاب اکتبر برای لئوئیدرتوف دیبرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست و صدر شورای عالی اتحاد شوروی ارسال داشت، در ارتباط با کمک‌های بی‌شائبه اتحاد شوروی به انقلاب فلسطین یادآور شد:

«امروز ملت ما با جنگ و آتش‌روبروست و ماهرگزرآموش نیتیکیم

یاسر عرفات: امروز ملتما با جنگ و آتش‌روبروست و ما هرگز فراموش نمی‌کنیم که شما (اتحاد شوروی) نخستین کسی بودید که همبستگی خود را با انقلاب فلسطین اعلام کردید و در برابر نقشه‌های امپریالیسم و صیونیسم و ارتجاع، که قصد نابود کردن انقلاب فلسطین را داشتند، در کنار ما ایستادید.

این تصور که گویا دولت اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بر سر مسئله فلسطین در حال توافق و بند و بست با صیونیسم و امپریالیسم جهانی است و در حرف از فلسطین دفاع می‌کند و در عمل به آنها از پشت خنجر می‌زند، چندی است که در نزد برخی از دولتمندان و همچنین رسانه‌های گروهی و مطبوعات جمهوری اسلامی ایران هواخواهان پیدا کرده‌است.

این پندار اگر از جانب آنکه در عمل دارای صداقت انقلابی هستند، طرح شود، دلیل بر عدم آگاهی از وقایع و عملکرد واقعی اتحاد شوروی در قبال مسئله فلسطین است. اگر از جانب مغرضان و کج‌اندیشان طرح شود، ما را کاری با آن نیست. تاریخ خود بارها جوابگوی چنین تصوراتی بوده و اکنون نیز جوابگوی آنها خواهد بود.

ما در این جا بصورت اول مواجیم. از این رو برای آنانکه جوابگوی حقیقت‌اند، یادآوری‌نکاتی چند بی‌امون دفاع صادقانه اتحاد شوروی از انقلاب فلسطین و برخورد رهبران خلق فلسطین به این مسئله را ضرور میدانیم.

\*\*\*

خلق فلسطین در رویارویی مستقیم با صیونیسم و حامی آن امپریالیسم جهانی، بسرکردگی امپریالیسم امریکا، پشتیبانی جهانی نیروهای ضد امپریالیست و آزادیخواه را همواره با خود داشته است. مبارزات حقیقیانه خلق فلسطین در راه آزادی سرزمین‌های اشغالی علیه اسرائیل تجاوزگر، از نخستین روز مورد پشتیبانی همه‌جانبه کشورهای جامعه سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی بوده است. اتحاد

## کشف شبکه جاسوسی امریکا و انگلیس در اصفهان، لزوم قاطعیت انقلابی را در سر کوب توپ‌های ضد انقلاب تأکید می‌کند

تنها بخش بسیار کوچکی از عوامل ضد انقلاب در ایران را تشکیل میدهد.

شبکه جاسوسی اصفهان، که بوسیله پاسداران انقلاب اسلامی کشف شد، یکی از قدیمیترین و شاید قدیمیترین شبکه جاسوسی امپراتوری بریتانیا در خاک ایران است. پای میسیونرهای انگلیسی از اواخر قرن هیجدهم به ایران باز شده است. میسیونرها، چنانکه لنین مینویسد، پیشقراولان استعمار بودند و استعمارگران اروپائی بدنبال میسیونرها، که انجیل در دست، راه را برای سلطه دولتهای اروپائی زیر پرده مذهب باز میکردند، به داخل کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین نفوذ کرده، آنان را بزنجیر اسارت خود میکشیدند. بخشی بزرگی از آفریقای سیاه، از همین راه به مستعمره دولتهای اروپائی تبدیل شد و خلقهای آن مسیحیت را بتواند دین خود پذیرفتند. در برخی از کشورهای اسلامی میسیونرهای مسیحی موفق شدند که اقلیتی از مردم را بقبول دین مسیح متقاعد سازند، ولی در اکثر این کشورها سیاست مسیحی کردن مردم با شکست قاطع روبرو شد. در ایران تقریباً هیچکس از بین مسلمانان به مسیحیت نگروید. با وجود این، هیئت‌های میسیونری در ایران بفعلات خود ادامه میدادند (بجز میسیونرهای روسی، که پس از انقلاب اکتبر، بدستور لنین به فعالیت آنها نقطه پایان گذارده شد) و سازمانهای عریض و طویل خود را حفظ کرده بودند.

برای فعالیت میسیونرهای انگلیسی و آمریکائی در ایران نه تنها از نظر سیاسی، بلکه همچنین از نظر مذهبی نیز هیچ دلیل موجهی وجود نداشت، زیرا مسیحیان ایران (ارمنها، آشوریها) تابع کلیساهای انگلستان و آمریکا نیستند و «اسقفی اعظم» اصفهان را نیز قبول ندارند. شاهان ایران، که طی دو قرن اخیر همه دست‌نشاندهگان دولتهای استعماری بودند، وجود این میکروب بیگانه را در اندام ضعیف کشور تحمل میکردند و بهیچوجه مانع فعالیت آنها نمی‌شدند. در زمان سلطنت محمدرضا، که دوران «شکن - بشکن» امپریالیسم، بویژه امپریالیسم آمریکا، در ایران بود، سازمانهای میسیونری دستکاههای خود را در طول و عرض گسترده و در همکاری با ساواک و نفوذ سازمانهای ضد رژیم، نقش بسیار شوم و مورتی علیه جنبشهای انقلابی ایران ایفا کردند. میسیونرها تمام فعالیت ضد انقلابی خود را زیر پرده مذهب و مبارزه با کفر و الحاد انجام میدهند، اما روشن است که مذهب آنان نیز مانند تمام مذاهب دیگر طبقاتی است. آنها هنگامیکه شاه سابق سرکاربود، با دستگاه جنبشی ساواک بر ضد مبارزان انقلابی (بخصوص پیروان مارکسیسم) مبارزه میکردند و اکنون که جمهوری اسلامی ایران بر ویرانه‌های رژیم شاهنشاهی پدید آمده است، با سرویسهای جاسوسی امپریالیسم آمریکا و انگلستان برای براندازی این جمهوری، که مذهب مستضعفان را پایه و اساس نظام اجتماعی خود قرار داده، همکاری میکنند.

آنچه تاکنون از فعالیت این شبکه عظیم جاسوسی کشف شده، دایره گسترده فعالیت آنرا بخوبی نشان میدهد. تنها کافی است به رقم پانصد میلیون دلار و ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» توجه کنیم. این آقایان «خدمتکار مسیح» برای «تیکوکاری‌های» خودشان ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» توزیع کرده‌اند. چقدر از این مقدار مصرف شد و چقدر هنوز بصرف فرسیده، دقیقاً معلوم نیست. اما هر کیلوگرم از این ماده متفجره نیرومند میتواند به زندگی دهها و صدها نفر خاتمه دهد. این بمبهای که هر روز در جانی منقش میشوند، در برابر بمبهای نیرومندی که میتوان با این ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» ساخت، اسباب‌بازی بیش نیست.

محل خرج این ۵۰۰ میلیون دلار هم چیزی نظیر مصرف همان ۳۰۰ کیلوگرم «تی. ان. تی» است. «بایستی این مبلغ بین بعضی از پرسنل ارتش ایران، رهبران فرقه سیاسی غیرقانونی بهائی و ضد انقلابیون توزیع شود» رهبران فرقه بهائی بهیچ وجه نیازی به این سازمان بین‌المللی بهائیان، یکی از متولیان سازمانهای سیاسی - مذهبی است. نمیتوان پذیرفت که رهبران بهائی از سازمانهای میسیونری به منظور کمک به افراد فرقه خودشان پول گرفته باشند. بنابراین رهبران فرقه بهائی، اگر پولی از «اسقفی اعظم» گرفته باشند، برای مصارف سیاسی، یعنی مبارزه بر ضد رژیم گرفته‌اند، و این برخلاف

هنگامیکه روزنامه‌ها اطلاع دادند که دیپلوماتهای انگلیسی جل و یاسی خود را یواشکی جمع کرده و رفته‌اند و تنها دوسه نفر از آنان در تهران باقی‌مانده‌اند، ما حلس زدیدیم که امپریالیسم بریتانیا، «دسته گل‌زیایی» به آب داده و برای گریز از عواقب آن، دیپلوماتهای انگلیسی فرار پنهانی را برقرار ترجیح داده‌اند. پریروز که اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان در روزنامه‌ها منتشر شد و از ایجاد توپ‌های که سرویسهای جاسوسی انگلستان و امریکا در ایران تهیه دیده بودند، پرده برداشت، رمز تخلیه سفارت انگلستان در تهران روشنتر گشت. معلوم شد که انگلیسها، که پس از انقلاب خودشان راه موش‌مردگی زده بودند و با سیاست کج‌دار و مریزشان خود رانسبت به انقلاب ایران «دیپترف» نشان میدادند، گردانندگان یکی از بزرگترین شبکه‌های جاسوسی و ضد انقلابی در ایران بوده‌اند. چشم کسانی که امیدوار بودند از اروپای غربی و ژاپن بر ضد امپریالیسم امریکا و بفتح انقلاب ایران استفاده کنند روشن!

ما از همان نخستین روزهای انقلاب فریاد زدیم که امپریالیسم یک سیستم واحد جهانی است و در بین اجزای آن اصل: چو عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نمائد قرار (با امتداز از استاد سخن سمدی، که این بیت زیبای او را در چنین موردی یکبار می‌ریزم) تمام و کمال حکمفرماست و این گفته بخصوص در مورد کشورهای قلمبر انگلستان و ایالات متحده آمریکا صادق‌تر است. همکاری بین انحصارات انگلیسی و آمریکائی و دولتهای این دو کشور، که از نمایندگان همان انحصارات، در دوران پس از جنگ، بویژه در دوران مبارزه علیه جنبش ملی‌شدن نفت در ایران وارد مرحله تازه‌ای گشت.

انگلستان، که پس از جنگ دوم جهانی پندریه به يك دولت درجه دوم تبدیل میشد (امروز انگلستان از لحاظ تولید صنعتی ششمین کشور جهان است) بدون پشتیبانی ایالات متحده، که در آن زمان با فاصله زیادی در رأس دنیای سرمایه‌داری قرار داشت، نمیتوانست بقایای نفوذ خود را در جهان سوم، بخصوص منطقه خاور نزدیک و میانه، که برایش اهمیت حیاتی داشت، حفظ کند. امپریالیستهای آمریکائی نیز که باین منطقه بدلیل ذخایر نفتی و موقعیت استراتژیکی چشم‌پلمع دوخته بودند، بدون همکاری با انگلستان، که شبکه گسترده‌ای از سازمانهای مخفی سیاسی (نظیر فراماسونری و غیره) و اطلاعاتی (نظیر آنچه در اصفهان کشف شد و در سایر نقاط هنوز کشف نشده است) در دست داشت و محافظ حاکم کشورهای این منطقه زیر نفوذ آن بودند، نمی‌توانستند جای پای خود را در این کشورها محکم کنند.

امپریالیستهای انگلیسی و آمریکائی برپایه این نفع مشترك در سیاستهای سلطه‌جویانه خود در منطقه خاور نزدیک و میانه بتوافق رسیدند. همکاری آنان در جریان کودتای ۲۸ مرداد محصول این توافق بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و تحکیم موقعیت‌شاه سابق، شبکه‌های نیرومند اطلاعاتی امپریالیسم آمریکا و انگلستان فعالیت خود را در تهران متمرکز نمودند و تهران را بر مرکز فعالیت جاسوسی خود در تمام منطقه تبدیل کردند. همکاری بین سرویسهای جاسوسی انگلستان و امریکا، که اسرائیل نیز به آنها ملحق شده بود، در تمام دوران پس از کودتا بر ضد جنبش انقلابی ایران ادامه داشت.

در دوران اوج جنبش، بخصوص در سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۵۸، ما جای پای جاسوسان امریکائی، انگلیسی و اسرائیلی را در تمام حوادث ایران مشاهده میکنیم. امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی، کوشیدند که با استفاده از شبکه جاسوسی خود جنبش را خفه کنند و یا لااقل مسیر انقلاب ایران را بنفع خود تغییر دهند. اما انقلاب ایران نیرومندی از آن بود که جاسوسان امپریالیسم بتوانند در آن تأثیر جدی بنمایند. با وجود این، آنها از تلاش نایب‌توانند و در چارچوب امکاناتی که داشتند، «آدم‌های» خود را در ارگانهای جدید اتاسیس انقلابی، از شورای وزیران گرفته تا دادگاهها و کمیته‌ها جابجا کردند. برخیز از آنان به همت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام افشا شدند، اما کشف شبکه‌های ضد انقلاب و بخصوص شبکه اصفهان نشان میدهد که، افشاشندگان

ادعای آنهاست که مذهب بهائی مداخله در سیاست را منع میکند. معلوم میشود که مذهب آنان نیز چون مذهب کیشیان «اسقفی اعظم» کسندار و طبقاتی است، یعنی سکوت و تسلیم در برابر رژیم شاه‌ملمون و مبارزه و سرکشی در مقابل انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی مسئله سیاسی است و نه مذهبی.

در گروه دیگر، که از این ۵۰۰ میلیون دلار سهم می‌برند «بعضی از پرسنل ارتش» و «ضد انقلابیون» هستند. تکلیف ضد انقلابیون مشخص است، اما با بعضی از پرسنل ارتش، چه باید کرد؟ آیا این نیز زنگ خطر ترمای نیست که درباره وضع داخلی ارتش پسندادمی‌آید؟ میزان این پول، که مبلغ عظیمی را تشکیل میدهد، نشانه آنست که طراحان انگلیسی و امریکائی برنامه‌های خود را برای مدت درازی تنظیم کرده‌اند و هنوز ارتش ایران را محیط مساعدی برای پیاده کردن طرحهای ضد انقلابی خود محسوب میدارند.

اسنادی که در «اسقفی اعظم» اصفهان کشف شده، با تمام اسناد دیگری که درباره برنامه‌های ضد انقلاب در ایران بدست آمده، هماهنگی کامل دارد. در یکی از این اسناد، از قول طراحان سیاه گفته شده است:

« ما نقشه‌های مختلفی داریم که اولین آن تشکیل گروههای مقاومت در ایران بعنوان يك ضرورت است. ما می‌توانیم و مجاز نیستیم ساکت به‌نشیبیم. اگر ما ساکت بنشینیم تمام دوستانمان را در ایران از دست خواهیم داد.»

آری، امپریالیستهای آمریکائی و انگلیسی عجله دارند. آنها میکوشند که انقلاب ایران را، تا «تمام دوستانشان را از دست ندهند»، خفه کنند. «دوستانشان» نیز یکی پس از دیگری «از مدرسه» بیرون می‌روند. بهمین دلیل نیز آنان شیوه ضد انقلاب خرنده را به شیوه اعماز زورخشن تبدیل کرده‌اند.

ما میدانستیم و میدانیم که امپریالیستها «ساکت نخواهند نشست» ما بارها در این باره هشدار داده‌ایم. کشف شبکه جاسوسی «اسقفی اعظم» در اصفهان گواه بارز دیگری بر خسومت آشتی‌ناپذیر امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا (و فرزند خلف آن صیونیسم) با انقلاب ایران است، که برخلاف گفته و ادعای کسانی که می‌خواهند ریشه این خصومت را در «گروگانگیری» دانشجویان مسلمان پیرو خط امام جستجو کنند، کوچکترین ارتباطی با آن نداشته است.

هدف امپریالیستهای انگلیسی، آمریکائی و اسرائیلی، که «اسقفی اعظم» اصفهان را به مرکز جاسوسی خود تبدیل کرده بودند، براندازی جمهوری اسلامی ایران است، که رهبران آن، چنانکه در سند ذکر شده، و بچشم امپریالیستهای چپ‌انگار «یک گروه قاتل و تروریست هستند، که باید آنها را بیدرتک کشت».

بی‌تردید شبکه جاسوسی «اسقفی اعظم» اصفهان تنها شبکه‌ای نیست که در ایران از ینرتاب مذهب فعالیت داشته است. چنانکه در اطلاعیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی اصفهان گفته میشود «اسقفی اعظم» علاوه بر اصفهان، در مراکز استان‌های تهران، شیراز، کرمان، یزد و خوزستان شعبه داشته و هر يك از این شعب خود موسسات مختلفی در اختیار و زیر نفوذ داشته‌اند. هیچ معلوم نیست که این شعب و سایر تاسیسات امریکائی و انگلیسی، که در ایران فعالیت میکنند، هر يك خود چنین شبکه عظیم جاسوسی نباشند.

تشکیل شبکه‌های عظیم جاسوسی در ایران تنها يك رشته از توپ‌های امپریالیسم، بسرکردگی امپریالیسم آمریکا، بر ضد انقلاب ماست. دنیای سرمایه‌داری تمام امکانات خود را برای رویارویی با انقلاب ایران در يك کاسه ریخته است. جبهه واحد کشورهای سرمایه‌داری امپریالیستی رهبری عملیات ضد انقلابی ایران را به کیت‌های زیر نظر پروژینسکی، مشاور کاتر در امور امنیت ملی، سپرده است تا گلوی انقلاب ایران را بفشارد.

اما انقلاب ایران، بکوری چشم دشمنان، علیرغم تمام توپ‌های، کارشکنی‌ها و فشارهای اقتصادی، سیاسی و تبلیغاتی و تهدیدات نظامی که از جانب جبهه متحد دنیای سرمایه‌داری بر آن وارد میشود، با گامهای استوار به پیش می‌رود و سنکری را در پی سنکر دیگر از امپریالیسم جبهانخور میکیرد.

«اسقفی اعظم»، این سنگر جاسوسان انگلیسی، آمریکائی و اسرائیلی فرو ریخت. خلق ما سنگرهای دیگر را نیز بتصرف درخواهد آورد. امپریالیسم، این نظام محضصر، هر قدر هم جان‌سختی نشان دهد، محکوم به سرگ است. و ما از صمیم قلب شادانیم که خلق قهرمان ما در اجرای این حکم تاریخ سهم شایسته خود را ادا میکنند.



# مائوئیسم - همکار امپریالیسم بر ضد انقلاب ایران

تئلیفات و سیاست‌هایی که رنگ و بوی مائوئیستی دارد، در فضای بزرگی از جامعه ما رخنه کرده است. دیدگاه - های حاکمان بکن و آسمان ریسمان‌های مائوئیست‌های داخلی، به شکل مختلف از طریق رادیو و تلویزیون و مطبوعات کثیرالانتشار روبرخی از سیاستمداران و ناسازگاران اجتماعی در رنگ و لعاب بسته بندیهای جورا جور به خورد توده‌ها داده می‌شود.

آیا این هماهنگی و اشتراک عقیده و نظریاتی از ارگان‌ها و رسانه‌ها و مسئولان جمهوری اسلامی ایران - مائوئیسم تئوریک است؟

آیا اسلام انقلابی می‌تواند با همان اسلوب و معیارهای تئوریک مائوئیست که با طبیعت و حتی ساخته و پرداخته شده در کارگاه‌های تئوری باقی مائوئیست است؟

چه کسی است که نداند، مائوئیسم امروز همکار امپریالیسم جهانی است؟ آیا یک انقلاب‌فدا امپریالیستی و خلقی، از منواله انقلاب ایران، می‌تواند امپریالیسم را از یک دربیرون‌کننده به اقتدای مودی‌ترین متحدان برود و از او سرمشق بگیرد؟

آیا اسلام انقلابی می‌تواند در سیمای مائوئیسم برای خود متحدی بیابد؟ اگر چنین است، آیا متحدان فرا ملی امپریالیسم واقعاً می‌توانند متحدان واقعی انقلاب ضد امپریالیستی هم باشند؟ و اگر چنین نیست، آیا نباید همکار مائوئیست امپریالیسم‌کننده را از برج و باروهای انقلاب هرچه بیشتر دور کرد و خطر و آفسون مهلک آنرا برای توده‌ها و سادگان گسیران افشا ساخت؟

اینکه ستون بنجم امپریالیست، در لابلای ترزا و شبه تئوریک‌ها و سیاست‌های مغرب مائوئیستی توانسته و می‌تواند تئوریک‌ها و سیاست‌ها و بیابان‌های تبلیغاتی مهمی را اشغال کند و مهره‌های خود را، حداکثر در زیر نقاب از ریس و با تزویر مسلمان‌نمایی، در پیست‌های حساس بگذارد، خود نشانده آنست که کار انقلاب در جایی سخت‌لنگ است.

مکرزن مضمون گروهمک‌ها یا مائوئیستی و تمام‌عیوان و انمار آنها در مجموعه جامعه ما چقدر است؟ یک دردم؟ نیم دردم؟ یک دهم دردم؟ نه، تعداد حواریون چپ‌نمای شیطان بزرگ، از اینهم بسیار ناچیزتر است. اما آیا شعاع تبلیغاتی و دامنه عمل و تاءثیر گذاری آنها هم به همین اندازه ناچیز است؟ نه و مدالیتنه مائوئیست‌ها در بسیاری از موارد و زمینه‌ها توانسته‌اند هزاران برابر بیشتر از حجم سیاسی خود تبلیغ و تخریب کنند، نظرات خود را در سیاست رسمی، چه داخلی و چه خارجی، و در نتیجه در سیاست عمومی تبلیغاتی کشور سوزند و سپس بگرد و به نام دفاع از اسلام و انقلاب جاده را برای بازگشت شیطان بگویند.

اغلب نفوذ و گسترش یک تئوریک و سیاست، مرهون صحت و نیروی حیاتی آنست. تئوریک صحیح وقتی رواج یابد، به نیروی مادی بدل می‌شود، در نسوج و اندکان ریشه می‌دواند و دوجا ذبه‌ای تحریک - انگیزکسب می‌کند.

این واقعیت اما ربطی به مائوئیسم ندارد. میزان صحت و حقیقت مائوئیسم را در چهره خیانت با حاکمان پکن، که به خم خون‌خوری همه خلقها و انقلابیها دل داده‌اند و دل گرفته‌اند، به وضوح می‌توان خواند.

در ایران نیز افکار و اندیشه‌های مائوئیستی - که در سطوح بعدی مختصات آنرا توضیح خواهیم داد، بطور طبیعی رشد نمی‌کند، توده‌گیر نمی‌شود، در جامعه ریشه نمی‌دواند، بزرگس، بطور مکنایکی و توسط عناصر خاصی به غلات و اندامهای جامعه ما تزریق می‌گردد. با سوء استفاده از اشغال مواضع ویست‌های حساس، به ویژه تریبونهای اجتماعی و وسائل ارتباط جمعی، سعی در اشاعه و تبلیغ و تحمیل آن می‌شود. و به همین دلیل، علیرغم همه این تبلیغات رندانه و دست و پا زدن‌ها، هواداران این ایدئولوژی و تکرش، به شاری در حد یک ده هزارم جامعه نمی‌رسند.

پس وجود مادی و میدان نفوذ مصنوعی آنها، با امکان‌ناشی که غم‌گردد، دردهای عمیق وجود دارد. و این امر بی دلیل نیست. برهان آن همان چیزی است که چرخ‌ها را در خیلی از جاها لنگ کرده و خاک در چرخ انقلاب ریخته است.

هیچ نظریه‌سیاستی، بدون زمسینه نمی‌تواند سر پا بایستد و شریک‌دیده‌ها و اغراض مائوئیستی نیز از این قاعده مستثنی نیست. زمسینه مساعد برای این اندیشه‌ها و اغراض، در درجه اول، شناخت و ارزیابی اشتباه آمیز بخشی از مسئولان و متعینان جمهوری اسلامی ایران از نیرو و های انقلاب و فدا انقلاب در مقیاس مسلکی و جهانی است. این اشتباه محاسبه، که

در برخی اذهان به صورت نوعی بیشداری درآمده، خود از یک سو تحت تاءثیر تئوریک‌های من درآوردی مائوئیستی نسظیوری "سازش دوا بر قدرت" و "تر" سه جهان و

امثال آنست، و از سوی دیگر برای پناه دادن این نوع افکار و روئی‌سازن مهره‌ها و عوامل نشردهنده آن در مواضع حساس اجتماعی و مقامهای دولتی جا باز می‌کنند.

امروزه که طشت رسوائی امپریالیسم بر سر بام جهان به صدادرآمده و ایدئولوژی بورژوازی امپریالیستی در محضه زندگی و آزمون عمل به ورشکستگی و فضاحت کشیده نظریه‌ها و شبه تئوریکهای مائوئیستی برای امپریالیسم یک نیروی کمکی به موقع است. این شبه تئوریکها بر آنست تا دره ژرفی را که بین سوسیالیسم انقلابی و امپریالیسم جهان‌نخوار وجود دارد، بی‌بونا ندویند و نظام از ریشه متفادرا یکسان بنمایند. وقتی سوسیالیسم انقلابی با امپریالیسم فدا انقلابی همسان جلوه داده شد، مسئله سازش آنها برای تقسیم غنائم جهان و سرکوب خلق‌ها، به خودی خود حل است. مائوئیسم، در نقش اسب تروای امپریالیسم، به همین حد قانع نیست. او پس از این تا مورتیبازی به اصطلاح تئوریک، برده دوم را بازی می‌کند و نظریه عفونت بار "سه جهان" را پیش می‌کشد.

بر اساس این نظریه، دوا بر قدرت شوروی و آمریکا جهان اول، جهان صدور فدا انقلاب، کستارکاه و حراجگاه خلقها هستند. اروپای غربی و رابین جهان دوم را تشکیل می‌دهند، که خود زبر حنگال دوا بر قدرت اندوا زاینرویا دوا بر قدرت تضاد دارند. کشورهای در حال رشد، که منطقه انقلابی جهان را به وجود آورده‌اند برای رها نشی از جنگ دوا بر قدرت، با دیدن اروپای غربی و ژاپن متحد شوند.

اما این شهیده هنوز کامل نیست. شما همین که پذیرفتید دوا بر قدرت، هیچ تفاوت مائوئی با هم ندارند و هر دو امپریالیست‌اند، بلافاصله به شما هشدار می‌دهند، که نکنند خطرا این دوا بر قدرت را یک اندازه بدانید! زیرا که ابر قدرت شرق بالنده و جوان است، در حالی که ابر قدرت آمریکا "بیرگای غذی" است، شیرینی یال و کوبالی است، که پیرو فرسوده شده و جنگ و دندانش یکدیگر گراشیده است. این ابر قدرت می‌رسند دیگر ترس و خطری ندارد، پس همه آتشهای جهانی به سوی ابر قدرت شرق!

ما تئوئیسم با امپریالیسم را بر ضد انقلاب ایران می‌فهمید؟ می‌دانید در صورت تبعیت از این سفسطه‌ها، کار ایران انقلابی به کجا می‌کشد؟ امپریالیسم انگلیس و آلمان غربی متحد و دوست ما می‌شوند، مصر انور سادات و عمان سلطان قابوس و عربستان ملک خالد و شاهزاده - نهد و پاکستان ضیاء الحق و مراکش سلطان حسن و عراق صدام حسین و شیلی پینوشه و آرژانتین ویدالا، به صورت کانونهای انقلاب جهان در می‌آیند، و آنوقت پرواضح است که اگر جمهوری سلاهی ایران دست در دست این رسولان انقلاب جهانی نگذارد و هم‌رنگ و هم‌رای آنها نشود، به انقلاب جهانی پشت کرده و تضاف عمده و نهائی را، که تضاف دهم جهان با ابر قدرت شرق است، لو ت کرده و آب به آسیاب ضد انقلاب ریخته است!

ساختگی بودن این شبه تئوریک و ماهیت آن برای هر عقل سلیمی از روز روشن تراست. واقعیت بهترین محک است و تجربه کشورها و انقلابیها ا مثابه ما خودبخود مطمئنی از واقعیت جهانی است. تئوریکها و پیشداریها و بافته‌ها و ساخته‌های ذهنی را به پیشگاه واقعیت زنده ببریم و در معرض قضاوت آموزشها و تجربه‌های برآمده از واقعیت قرار دهیم. حقیقت و تنها حقیقت است که می‌تواند تکیه‌گاه و ملاک داوری ما باشد. حتی اگر نخواهیم از این واقعیت روشن تراز آفتاب عبرت بگیریم و بیاموزیم که در حال حاضر ما، دسیسه‌ها از جانب امپریالیسم، به سرگردگی امپریالیسم آمریکا، تدارک می‌شود و ما می‌سائل ارتباط جمعی سراسر جهان امپریالیستی، علیه انقلاب ایران و لجن‌پاشی به آن بسج شده و تنها منابع دفاع جهان از انقلاب ایران، احزاب کارگری و کمونیستی و رسانه‌های گروهی کشورهای سوسیالیستی و ممالک مترقی فدا امپریالیستی است.

ره نمود شخصیت‌های انقلابی و ملی خود بهترین قطب نماست: جمال عبدالناصر:

"مناسباتی که با روسها داریم، در نوع خود بی نظیر است. آنها ذمی از قروض ما را بخشیده‌اند. آنها بر پرداختهای ما تسهیلاتی قائل شده‌اند. آنها حتی

کوشش نمی‌کنند که قضاوت ما را تحت تاثیر قرار دهند. ممکنست شما تعجب کنید، ولی روسها هرگز در ازاء پشتیبانی چیزی از ما نخواسته‌اند."

(از مباحثه با لوموند، فوریه ۱۹۷۰) له‌دوان، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام:

"مردم ویتنام و در عین حال همراه با رنج و محرومیت در رخسان مبارزات نیم قرن خود، پشتیبانی قطعی و کمکی فراوان و برارزش مردم شوروی را احساس کرده‌اند."

یا سرعفات، رهبر سا زمان آزادیبخش فلسطین:

"اگر ما امروز در مبارزه عادلانه خلق فلسطین به مواضع شوروی اتکاء می‌کنیم، بدان جهت است که این مواضع بازتاب درستین انقلاب اکتبر است."

هواری بومدین، رئیس جمهور فقید الجزایر:

"همبستگی مورا تا حد دشواری با مبارزه خلقهای عرب علیه امپریالیسم آمریکا، به احقاق حقوق حقه کشورهای عرب... کمک فراوان می‌کند."

عبدالسلام جلود، عضو شورای انقلاب و نخست وزیر لیبی:

"من میخواهم با ردیگر اهمیت و ارزش فوق العاده پشتیبانی و کمکی مائوئیست را بگویم. اکتفا می‌کنم به اشاره به نیروهای انقلابی و ترقیخواه تا شیدکنم. تئوریک در پشتیبانی از جنبشهای رهایی بخش ملی و انقلاب اول سیتا میر (لیبی) شرکت داشته و همواره طرفدار نیروهای است که در آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین مبارزه می‌کنند."

فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا:

"مرف وجود اتحاد شوروی مانعی برای ما جراجویی نظامی نیروهای تجا و زکار امپریالیستی است. اگر چنین نبود، مدتها بود که آنها برای تقسیم جهان بین خود نقشه کشیده بودند و از تاجا و زبکشور - ها دیدگر، که دارای نفت و مواد خام مهم دیگر هستند، ایایی نداشتند."

این نمونه‌ها، فقط مشت از خروار است، و گرنه ذکر همه این مثنوی هفتاد من کاغذ شود.

این اظهارات و نظا بر پر شمار آن، تعارف و نادن قرض دادن نیست. حقایقی است که زندگی و مبارزه طولانی آنرا متبلور و بارور کرده است. دروغ و معامله‌گری در شان انقلابها و رهبران آنها نیست و این جملات پیشام انقلابها و رهبران خلقی از آب و آتش گذشته‌اند.

ما به حکم مصالح انقلاب، که سرنوست و مصلحت توده‌هاست، نمیتوانیم و حقیقت نداریم که در سها و آزمونهای تاریخی را ندیده بگیریم، ذهنیات خود را بر واقعیات عینی مقدم بداریم و به بهای رنج و خون فرزندان انقلاب، آزمونها را دوباره بیازماییم. چنین شیوه‌ای ناشی از غرور و خامی و خودبزرگی بینی است. ما مرکز کائنات و تاریخ نیستیم، جزئی از آنیم

و قانومندیهای تاریخ درباره ما همانگونه عمل میکنند که درباره دیگران کرده است. حاشا کردن واقعیت، چیزی از واقعیت کم نمی‌کند، فقط سرما را به سنگ می‌زنند. یکی دانستن سوسیالیسم انقلابی، متحد عینی همه خلقها و انقلابیها، با امپریالیسم آدمخوار، دشمن همه خلقها و انقلابیها، نمونه خطرناک و زیانباری از حاشای واقعیت است.

خرده‌گیران ممکنست بپرسند: چه دلیلی دارد که سوسیالیسم جهانی برای یاری به خلقها و انقلابیها از خود ما به بگذارد؟ جواب این پرسش و شک را جمال عبدالناصر رهبر فقید مصر، که خود از خمومت خونین با سوسیالیسم آغا ز کرد و به اتحاد تنگنا تنگ با آن رسید، به خیرنگار لوموند داده است:

"به این دلیل ساده، که آنها هم مثل ما دشمن امپریالیسم‌اند و ترجیح می‌دهند که ما را مستقل ببینند، تا اینکه در زیر بیوغ آمریکا بیایند و انگلیسی‌ها."

همین دو هفته پیش، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در مباحثه با خبرنگارهای جمهوری اسلامی گفت که: شوروی می‌گوید قیمتی را که ایران برای فروش گاز خود پیشنهاد کرده، گرانتر از قیمتی است که خود ما گاز را به اروپا می‌فروشیم. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی تاکید کرد که البته شوروی گاز خود را ارزانتر از قیمت‌های بین‌المللی به اروپای شرقی می‌دهد و این قیمت برای ما مآخذ نیست.

ما فعلا کاری به فروش یا عدم فروش گاز بدسوروی نداریم. اما می‌پرسیم: آیا همین ترمیم و تاکید، خود به بهترین وجه معرفت ما هیت مناسبات کنسورهای سوسیالیستی نیست؟ اگر شوروی خملت امپریالیستی داشت، روابط همچون آمریکا و اروپای غربی و زاپن امپریالیستی با بدبرسود یکجا نبه و چپاول و تخمیل استوار با شد، سلطه سیاسی خود در نها بیت ابزار سلطه اقتصادی است. این چگونه امپریالیستی است که بجای غارت - با مطلاع معاندان - "اقمار" خود، کالای خود را به قیمتی ارزانتر از قیمت‌های جهانی به آنها می‌فروشد؟

این چگونه امپریالیستی است که مغبون شدن در برابر دوستان و خلقهای انقلابی را بر مغبون کردن آنها ترجیح می‌دهد؟ این چگونه امپریالیستی است که ۴۵ میلیارد دلار کمک همه جانبه خود را به ویتنام شهرمان در طی سالهای جنگ آزادیبخش، بلاعوض اعلام می‌کند؟ این چگونه امپریالیستی است که نیمه از دیون سنگین مصر جمال عبدالناصر، یعنی معر انقلابی را بصورت هدیه‌ای به خلق مصر، که درگیر جنگ تحمیلی با اسرائیل غاصب است، می‌بخشد؟

این چگونه امپریالیستی است که یا سرعفات کمکهای مادی و معنوی بی‌شماری را در مبارزه عادلانه خلق فلسطین بزرگترین کمک به انقلاب فلسطین می‌نماید؟

این چگونه امپریالیستی است که جنبش سیاهان و سواپو و رزم آوران رودزیا تا انقلابیون ظفار، از کمکهای بلاعوض آن برخوردارند؟

این چگونه امپریالیستی است که کمک به نهضت‌های آزادیبخش و - - امپریالیستی جهان رقم سنگینی از بودجه آنرا تشکیل میدهد و میلیونها جوان آن برای کمک بیشتر به انقلابها، روزهای کار رایگان دارند؟

این چگونه امپریالیستی است که بقول رهبران انقلاب فلسطین، هر جا خلقی برای آزادی بیجا خاسته، اسلحه شوروی را در دست خود یافته است، و بقول رهبران ویتنام، سیاستش همواره پشتیبانی مبارزان اصیل چهار گوشه دنیا بوده است؟

آیا همه رهبران برجسته با شکوه ترین انقلابی و نهضت‌های رها بی‌بخش عمر ما تزویر می‌کنند؟ آیا همه آنها، با لجن مال کردن خملت و چهره انقلاب و خلق خود، به جهان دروغ می‌گویند؟

امپریالیسم یک لفظ خشک و خالی نیست، معنی و محتوی دارد و معنی و محتوی آن، در سرشت و رفتار، تجا و زکار، جبار و فساد پیشرفت و ضد پیشرفت، انعکاس است. نیرویی که در کنار خلقها و انقلابیها ست دیگر نمی‌تواند امپریالیست باشد و اگر امپریالیست باشد، دیگر با خلقها و انقلابیها آتش به یک جوی نمی‌رود. درک یا عدم درک این نکته برای انقلاب ایران و رهبران و مسئولان و مجریان دولتی آن، اهمیت تعیین کننده دارد. زیرا تنها بشرها لوده این درک است که میتوان مرز مشخصی بین دوستان و دشمنان کشید و دروای الفاظ بزرگ کرده و تئوریکهای بظا هر انقلابی، از بیراه رفتن، از در غلتیدن به دامها و افسون‌های بخرنج خصم تاریخی، از هر - دادن بیهوده نیروها و امکانات و طولانی کردن روند درو دشواری انقلاب اجتناب کرد، و در عین حال جلوی رخنه عوامل رنگارنگ دشمن را به درون انقلاب گرفت.

انقلاب ما با همه انقلابیهای خلقی و رها بی‌بخش و وجه مشترک بسیار دارد و به همین دلیل در این سیر پر تنافس و آمیخته به سختی و ابهام، به تجربه‌ها و سرمشق‌های آنها نیازمند است، غفلت از این تجربه‌ها و کنار کشیدن از دیگر خلقهای انقلابی، ما را به انزوا میکشد و انزوائی انقلابی، ما رویای شیرین امپریالیسم است.

تجربه امپریالیسم به اومیا موزد که برای درهم شکستن یک انقلاب، نخست باید آنرا منفرد کرد، مگر این تجربه به عیان در نامه محرمانه برزیل، مشاور امنیتی کارتر، به وزیر خارجه سابق آمریکا منعکس نیست؟

مگر این دستور العمل بطور مشخص نمی‌گوید:

رئیس جمهور معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد دسوروی، حتماً به تضعیف مواضع سیاسی خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد؟

وشتی امپریالیسم مگا را ز همه امکانات و تجربیات فدا انقلابی جهان در حد اکثر آن بهره می‌گیرد، چرا انقلاب ما نباید از تجربه‌های تلخ و شیرین دیگر خلقها و انقلابیها خود را روئین سازد و رخنه‌ها و ضعفهایش را ترمیم کند؟

یکی از وسایل بر طرف کردن این رخنه‌ها و ضعفها، افشای و طرد همه آن شبه تئوریکها و شگردهای بی‌استه که با انواع دوز و کلسکو چشم بندی، انقلاب را از خملت و محتوا پیش فافل میکنند و به سوی نا کجا آبا دهای تخیلی و با تلاقهای سیاسی هل میدهد. برای اینکه از شر این تخیلات و تئوریکهای بی‌ظا هر - فریب معون بی‌انیم، به واقعیت چشم -

قده در صده

# هشدار وزارت کار و امور اجتماعی به مالکین واحدهای تولیدی را کد مانده را چگونه تلقی کنیم؟

معاون اشتغال و بهره‌وری وزارت کار و امور اجتماعی، در مصاحبه اختصاصی با خبرگزاری پارس، مسائل مهمی را پیرامون تعداد واحدهای تولیدی را کد مانده، اهمیت آنها و علل رکود این موسسات تا بحال عنوان کرده است. بیان این اطلاعات، که ما در پایین به قسمتهای از آن اشاره می‌کنیم، واقع و واجد اهمیت است و نشان می‌دهد که یکی از جنبه‌های خرابکاری ضدانقلاب علیه انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ما در کجاست.

اما جالب اینست که معاون وزارت کار و امور اجتماعی، ضمن بیان اطلاعاتی کاملاً افشاکننده در مورد واحدهای تولیدی را کد مانده، اتخاذ تصمیماتی را اعلام می‌دارد که، نه فقط کمکی به راه‌انداختن فوری این واحدها نمی‌کند، بلکه بقول معروف، آب به آسیاب همان کسانی میریزد که، بخاطر مقاصد سودجویانه و ضدانقلابی خود، یک‌بخش اعظم از تولید کشور را تا بحال معطل نگاه داشته‌اند. به اطلاعات افشائی معاون وزارت کار و امور اجتماعی و تصمیمات متخذه در محل، مسئله مهمی نظیر راه‌اندازی واحدهای تولیدی را کد مانده توجه کنیم.

قبل از همه، معاون اشتغال و بهره‌وری وزارت کار و امور اجتماعی اعلام می‌دارد که، طبق برآورد آن وزارتخانه، مقدار واحدهای تولیدی را کد مانده، یا دقیقتر گفته شود، را کد نگاه‌داشته شده، به ۱۰۰۰ واحد میرسد، که بیشتر آنها متعلق به بخش خصوصی است. در مورد اینکه این هزار واحد چگونه واحدهای تولیدی است، معاون وزارت کار و امور اجتماعی وضع یکی از آنها را مثال می‌آورد.

چنانکه معاون وزیر کار و امور اجتماعی می‌گوید، کارخانه خرخر در شهر تنکابن، یکی از واحدهای تولیدی را کد مانده است. در این کارخانه، که آماده بهره‌برداری است، بگفته معاون وزیر کار و امور اجتماعی، بیش از ۱۰۰۰ میلیون ریال سرمایه‌گذاری شده و با راه‌اندازی آن بیش از ۱۰۰۰ کارگر می‌تواند مشغول بکار شوند.

معاون وزیر کار و امور اجتماعی رسماً اعلام می‌دارد که، نظیر کارخانه فوق به تعداد زیاد وجود دارد، که مالکان آنها علاقه‌ای به راه‌اندازی واحدهای خود ندارند.

معاون وزیر کار و امور اجتماعی به‌درستی خاطر نشان می‌سازد که، علت را کد ماندن کار این واحدهای تولیدی، اختلال عمده سرمایه‌داران و ضدانقلاب در کار احیاء چرخ تولیدی کشور است. معاون وزیر کار و امور اجتماعی می‌گوید:

«نظر باینکه بعد از انقلاب اسلامی ایران، نظام اقتصادی کشور دگرگون شده، بسیاری از سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع از ادامه کار صنایع خود و یا تکمیل واحدهای تولیدی در دست ساخت منصرف شدند، چون دگرگوسود و منافع سرشاری که در گذشته انتظار داشتند، نمی‌توانستند در جمهوری اسلامی ایران بدست آورند. به همین دلیل اکثر صاحبان صنایع یا کشور را ترک نمودند و یا در داخل کشور ماندند، ولی واحدهای صنعتی را بحال خود رها نمودند.»

به اظهارات فوق نمی‌توان چیزی اضافه کرد، جز آنکه خاطر نشان سازیم، کارشکنی ضدانقلاب در احیاء صنایع تولیدی در ایران پس از پیروزی انقلاب، به این نمی‌رسد که آقای معاون وزیر کار و امور اجتماعی از آن نام می‌برند، نیست.

واقعیت اینست که، نه تنها محرومیت از سود و منافع سرشار، بلکه مخالفت علنی با انقلاب، قرار گرفتن در صف ضدانقلاب و پیروی از سیاستهای مشخص امپریالیستی در زیربند به اقتصاد جمهوری اسلامی است که اکثر سرمایه‌داران را به خودداری از راه‌اندازی چرخ صنایع و را کد نگاه‌داشتن بیش از هزار واحد تولیدی، آنها در سطح کارخانه‌ها، نظیر خرخر، تشویق و ترغیب می‌کند.

اما پس حال، تا اینجا می‌توانیم بگوییم که معاون وزیر کار و امور اجتماعی موافق نبود که، پرداختن به حل یک مسئله بسیار مهم نظیر راه‌اندازی هزار واحد تولیدی، که در اغلب آنها می‌تواند بیش از هزار کارگر بکار گرفته شود، حتی پس از آنکه یکسال و نیم از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران می‌گذرد، همچنان در بوطه توقیف و اجمال باقی مانده است.

ضرورت راه‌اندازی فوری این واحدها امریست که تاخیر بردار نیست، و در این مورد هم باید با اظهارات معاون وزیر کار و امور اجتماعی هم‌آهنگی کامل داشت.

اما از همین جا بیعت است که دیده می‌شود، تصمیماتی که وزارت کار و امور اجتماعی تحت عنوان طرح راه‌اندازی واحدهای نیمه‌تمام و متوقف تهیه کرده و به تصویب شورای انقلاب رسانیده است، نه تنها کمکی به راه‌اندازی سریع این واحدها نمی‌کند، بلکه عملاً زمینه را برای ادامه کارشکنی کارفرمایان و سرمایه‌داران بزرگ در جلوگیری از بکار افتادن چرخهای صنایع تولیدی فراهم می‌آورد.

خوانندگان می‌توانند که از طرح تقظیمی وزارت کار و امور اجتماعی اطلاع ندارند و با آنچه درباره واحدهائی که، بنا به اعتراف مقامات رسمی، تا بحال را کد نگاه‌داشته‌اند، آشنائی حاصل کرده‌اند، قطعاً قیل از هر چیز تصور می‌کنند که، وزارت کار و امور اجتماعی طرح ملی کردن فوری این واحدها را به اجرا گذاشته است. زیرا فی الواقع هم چگونه می‌توان کارخانه‌هایی نظیر کارخانه خرخر را با یک میلیارد ریال سرمایه و ظرفیت بیش از هزار نفر کارگر جزو صنایع کوچک بشمار آورد، که بتوان مسئله اداره آنها بصورت تعاونی پیش کشید؟

همچنین چگونه می‌توان انتظار داشت کارخانه‌هایی که روشن است بعلت کارشکنی سرمایه‌داران و اختلال در امر صنایع تولیدی کشور از جانب صاحبان آنها، مدت یکسال و نیم پس از انقلاب را کد نگاه داشته شده‌اند، بدست همان سرمایه‌داران بکار انداخته شوند و به بهره‌برداری درآیند، بخصوص آنکه معاون وزیر کار هم اذعان دارد که، اکثر صاحبان این صنایع یا کشور را ترک کرده و یا در داخل مانده‌اند و همچنان از بکار انداختن کارخانه‌ها خودداری کرده‌اند؟

در چنین شرایطی، وزارت کار و امور اجتماعی بدون تردید می‌بایست لایحه سلب مالکیت از سرمایه‌دارانی را

که بعد در کار صنایع تولیدی کشور، آنها در شرایط محاصره اقتصادی و تحریکات نظامی امپریالیسم، پس-کردگی امپریالیسم آمریکا، اختلال می‌کنند، تهیه می‌کند و همانگونه که خود مسئولین آن وزارتخانه اعتراف دارند، ۶۰۰ واحدی را که مشخصات کامل آن را شناسائی کرده‌اند، بکار می‌انداخت.

اما وزارت کار نه بدنبال این تصمیم، بلکه بدنبال تهیه و تصویب طرحی رفته است که، اطمینان خاطر بیشتری نسبت به ادامه کارشکنی در راه‌اندازی واحدهای صنعتی تولیدی، در سرمایه‌داران آزمندی که بزبان انقلاب عمل می‌کنند، ایجاد می‌نماید.

طبق طرح تصویبی وزارت کار و امور اجتماعی، به صاحبان هزار واحد تولیدی را کد نگاه‌داشته شده، اولاً در ماه دیگری وقت داده می‌شود، تا سر لطف بیایند و کارخانه‌ها را براه بیاندازند، و اگر لازم باشد، وزارت کار حاضر است «مدت فوق‌الذکر را افزایش دهد»! ثانیاً وزارت کار به مالکینی که بعد تا به امروز از احیاء فعالیت واحدهای مهم صنعتی خوداری کرده‌اند، پیشنهاد می‌کند که در اداره این واحدها بصورت تعاونی شرکت کنند و از «اوابوت خاصی» که وزارت کار برای آنها قائل شده، استفاده نمایند. ثالثاً وزارت کار صاحبان سرمایه‌ها را مطمئن می‌سازد که، آنها پس از بهره‌برداری، بسپای واحدهای خود را با تمام دریافت خواهند کرد.

تازه مزایائی که برشمرديم، بهترین مزایائی نیست که وزارت کار و امور اجتماعی برای سرمایه‌دارانی قائل شده، که بگفته معاون وزیر، یا کشور را ترک کرده‌اند و در خارج علیه انقلاب فعالیت می‌کنند و یا در داخل کشور باقی مانده‌اند و با را کد نگاه‌داشتن واحدهای مهم صنعتی، ضربات جدی به اقتصاد جمهوری اسلامی وارد می‌سازند. مزیت عمده و اساسی که وزارت کار و امور اجتماعی به این نوع سرمایه‌داران داده، اینست که، در پناه طرح تعاونی کردن، کارخانه‌ها با هزار میلیون ریال سرمایه و بیش از یک هزار نفر کارگر را در ردیف صنایع کوچکی قلمداد کرده که می‌توانند در مالکیت صاحبان آنها باقی بمانند و حیثاً به شیوه تعاونی و طبق مقررات شرکتهای تعاونی مسووب شورای انقلاب اداره شوند. ولی مقررات شرکتهای تعاونی مسووب شورای انقلاب، مورخه ۱۳۱۱/۰۸، به هیچوجه شامل حال واحدهائی یا میلیاردها ریال سرمایه و هزاران کارگر نمی‌شود. بدینسان طرح راه‌اندازی واحدهای نیمه‌تمام و متوقف وزارت کار و بیمه-های اجتماعی عملاً پوششی است برای فرار مالکین واحدهای سرمایه‌داری از ملی شدن، آنها سرمایه‌هایی که صاحبان آنها، بنا بگفته خود مقامات وزارت کار، «تعمالی به تکمیل و راه‌اندازی این واحدها را ندارند».

تکیه بر این اصل که، اقدامات وزارت کار و امور اجتماعی باید «با ضابطه و رعایت کلیه اصول شرعی و قانونی مالکیت این واحدها» صورت گیرد، نمیتواند این واقعیت را، که وزارت کار و امور اجتماعی مالکیت‌های بزرگ سرمایه‌داری وابسته را عملاً زیر چتر حمایت خود

گرفته، پوشیده دارد. وزارت کار و امور اجتماعی همچنین با طرح تصویبی خود واحدهای صنعتی عظیمی را که در سطح کشور دارای اهمیت است و راه‌اندازی فوری آنها از نظر تقویت مبانی اقتصادی جمهوری اسلامی فوق‌العاده ضروری است، به سطح واحدهای صنایع کوچکی که با تشکیل شرکتهای تعاونی در این اواخر حیثاً ایجاد شده و میشود، پائین آورده، کار راه‌اندازی آنها را به مراکز گسترش خدمات تولیدی و عمرانی وابسته به استانداریها واگذار کرده است. این شیوه برخورد نه تنها با امر مهم راه‌اندازی موسسات عظیم صنعتی تولیدی، که باید بطور متمرکز و زیر نظر مستقیم وزارت صنایع و معادن، از حالت رکود درآید، مغایر است، بلکه راه و شیوه دیگری برای مسون داشتن آنها از ملی شدن و پی‌ماندن در اختیار سرمایه‌داران وابسته، تحت عنوان صنایع کوچک و بی‌اهمیت است.

از این مسائل عمده و اساسی که بگذرد، طرح وزارت کار بجای آنکه مبتنی بر راه‌اندازی صنایع متوقف شده باشد، متضمن تامين سود هنگفت برای صاحبان سرمایه این صنایع است. طرح وزارت کار واحدهای تولیدی را کد مانده را بکار نخواهد انداخت، اما این طرح بساجبان سرمایه این واحدها امکان می‌دهد که بز هم به میلیاردها تومان سرمایه دولت، تحت عنوان دریافت کمک، چک بیاندازند و این سرمایه‌های نقدی را مانند اصل سرمایه کارخانجات بخارج انتقال دهند.

همانطور که روزنامه جمهوری اسلامی بدرستی متذکر میشود طرح وزارت کار در مورد راه‌اندازی صنایع متوقف شده «بیش از آنکه انگیزه‌ای باشد جهت... راه‌اندازی این واحدها، صاحبان آنها را بیشتر در جهت تعطیل واحدهای خود ترغیب می‌کند».

بهین جهت روزنامه جمهوری اسلامی بدرستی پیشنهاد می‌کند که «سرمایه مربوطه «این نوع کارخانه‌ها» بفتح دولت ضبط شود».

را کد نگاه‌داشتن کار بیشتر از هزار واحد صنعتی تولیدی با مشخصاتی نظیر کارخانه خرخر امری نیست که بتوان همچنان نسبت به حل سریع آن لایق باقی ماند و یا کار را به دادن مهلت و تشویق سرمایه‌داران وابسته به راه‌اندازی این واحدها واگذار کرد. این کار بسیار مهم مملکتی است که از نظر بکار افتادن چرخ صنایع و مملکت و تولید کار، حد متوسط برای نیم میلیون کارگر، از اهمیت فوق‌العاده برخوردار است.

بکار انداختن سریع واحدهای تولیدی که سرمایه-داران اختلال گر و وابسته به امپریالیسم و ضدانقلاب بعد آنها را متوقف نگاه داشته‌اند، از مسائل عمده تثبیت پیروزی انقلاب و عقیم گذاشتن توطئه امپریالیسم چنانستکار و سرسیردگان ایرانی آن در داخل کشور است. به امور مهم مربوط به سر نوشت انقلاب نمی‌توان لایق و بی‌انتنا نگاه کرد. این امور باید با قاطعیت انقلابی و بر پایه تأمین منافع عموم خلق با سرعت و با فوریت حل و فصل گردد.

## اعلامیه سازمان حزب توده ایران در اتریش: از هم‌میهنان دعوت می‌کنیم که بدفاع از دانشجویان مبارزه ایرانی مقیم امریکا برخیزند

ضدانقلابی مائوئیستی و بختیارها و اویسی‌های کرده‌تاجی و همه ضد انقلابیون دست در دست هم داده و با کمک امپریالیسم جهانی، به سر-کردگی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب شکوهمند ما متحد شده‌اند و کوشش بر این دارند تا انقلاب ما را به شکست بکشانند. در این-زمان وظیفه تمامی نیروهای آگاه و خلقی است که در یک جبهه واحد علیه دشمنان انقلاب متحد شوند. حزب ما چه قبل و چه بعد از انقلاب، مدام از نیروهای مومن به انقلاب دعوت برای تشکیل به این جبهه کرده است. بار دیگر از هم‌میهنان دعوت می‌کنیم که با امکانات ممکنه هر چه بیشتر، از دانشجویان مبارز ایرانی مقیم آمریکا، که تحت فشار-های گوناگون قرار گرفته‌اند، به دفاع برخیزند.

ما در اینجا بار دیگر از همه سازمانها و گروههای خلقی و ضد امپریالیستی دعوت می‌کنیم که به این دعوت حزب ما پاسخ مثبت دهند و با تشکیل جبهه متحد خلق، به استحکام و پیشبرد اهداف انقلاب کمک کنند.

پیش به سوی جبهه متحد خلق! سازمان حزب توده ایران در اتریش

## حزب توده ایران - سازمان شهرستان اسلام‌آباد غرب: در مقابل تهدیدات امپریالیسم آمریکا، انقلاب به همدلی و همکاری نیروهای انقلابی نیاز دارد

حزب توده ایران - سازمان شهرستان اسلام‌آباد غرب، در ارتباط با تصفیه‌ها و پاکسازیهایی که در آموزش و پرورش این شهرستان انجام گرفته و «می‌گیرد» اعلامیه‌ای انتشار داد. در این اعلامیه، ضمن اشاره به عملکرد غیرانقلابی و سازشکارانه دولت موقت در زمینه افساء و دستگیری مزدوران ساواک و عوامل ضدانقلاب، آمده است:

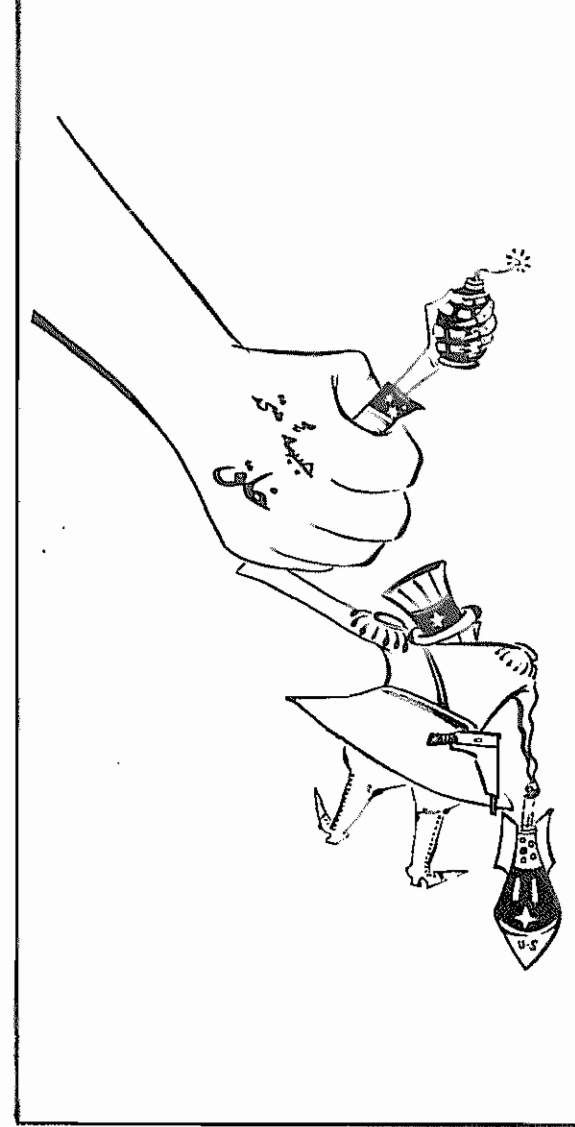
«... خوشبختانه رهبری قاطع امام خمینی و توان و شور انقلابی توده‌های مستضعف و وجود عناصر صدیق و انقلابی از روحانیت مبارز و سایر اقدار و گروهها و احزاب وفادار به انقلاب، مانع از آن شد که انقلاب در سرائیب سقوط افتد. اکنون که اینجا و آنجا فهرست اسامی ساواکیه افساء می‌گردد، حق این است که مسئولین در اسرع وقت در راه انتشار لیست ساواکیه‌های شهرستان و استان بکوشند و با شناسائی و تعقیب ساواکیه‌ها و چنانچه دارند آنرا برمی‌کنند، امکان هرگونه فرصت‌طلبی و تغییر رنگ را از آنان سلب کنند...»

آفتور که دیده می‌شود، اداره آموزش و پرورش اسلام‌آباد غرب تعدادی از عناصر و صحنه‌گردانان رژیم گذشته را مشمول پاکسازی قرار داده است و این جای خوشوقتی است. اما آنچه نگرانی برمی‌انگیزد، وجود برخی افراد صدیق و مومن به

هم‌میهنان و دانشجویان مبارز! در هر کجا که هستید، در محیط کار و زندگی و تحصیل، تمام کوشش خود را در راه شناساندن انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی مردم ایران (به گفته امام خمینی انقلاب مستضعفان) به چنانیای بکار برید.

بزرگ ایران پس از سرنگونی رژیم خونخوار و سفاک پهلوی به مبارزه خود علیه امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و عمال آن در ایران ادامه می‌دهند. در این دوران صف‌بندی نیروها هر روز مشخص‌تر میشود. وظیفه هر ایرانی و لجن‌دوست آن است که امروز هر چه بیشتر در راه معرفی اعمال وحشیانه امپریالیسم آمریکا علیه مردم ما کوشا باشند.

از یکسو نیروهای خلقی به رهبری امام خمینی، از انقلاب سرسختانه دفاع می‌کنند و ازسوی دیگر عناصر و میره‌های ارتجاع از بزرگ-سرمایه‌داران و بزرگ‌مالکین گرفته تا ساواکی‌های سابق و گروه‌های





# اتحادیه دهقانان چیست

## و چرا باید آن را تشکیل دهیم؟

با نهادهای انقلابی و دولتی این خواست‌ها را عملی سازند

در اتحادیه دهقانان همه اعضای اتحادیه باید با هیئت مدیره اتحادیه، که خود سان انتخاب می‌کنند، همکاری کنند تا کار را بس برود.

### برای تشکیل اتحادیه دهقانان چه باید کرد؟

هرکدام از ما باید با اعضای خانواده و آستانان و دوستان خودمان درباره اتحادیه صحبت کنیم. بعد، روزی یا سببی قرار بگذاریم و در محل مناسبی - مثلا در مسجد ده، یا مدرسه یا هرجای دیگر - دور هم جمع شویم و منظور از تشکیل اتحادیه را کاملا روشن کنیم. هر قدر بیشتر افراد فعال، که به تشکیل اتحادیه دهقانان علاقه‌مندند، در این جلسه شرکت کنند، بهتر خواهد بود. بر اساس خواست‌هایی که دهقانان مطرح می‌کنند، اساسنامه اتحادیه را می‌نویسیم و بعد در اولین فرصت کلیه دهقانانی را که علاقه‌مندند و داوطلب باشند، دعوت می‌کنیم، تا در جلسه "مجمع عمومی اتحادیه دهقانان" حاضر شوند و اساسنامه را تصویب کنند. در این جلسه هیئت مدیره اتحادیه و رئیس اتحادیه را انتخاب می‌کنیم و نوبت می‌دهیم که در بیسرف کار اتحادیه به آن‌ها، با آنجا که می‌توانیم، کمک کنیم و اتحاد خودمان را حفظ کنیم.

سورای ده، که دارای مقادیر اجرایی و امکانات و اخبار است، باید از منابع سرور اتحادیه دفاع کند و برای تامین خواسته‌های اتحادیه از هیچ کوسی مصالحه نکند. اتحادیه دهقانان هم وظیفه دارد که از سورای برده‌ها حمایت و پشتیبانی کند و بیسرف‌ها و حواسیه‌های دهقانان را به سورا بدهد و با آن همکاری صمیمانه کند و درسیج نیروی دهقانی برای خودباری و اجرای تصمیمات سورای ده بکشد. \* اگر متحد باشیم موفق خواهیم شد. \* اتحادیه دهقانی خود را تشکیل دهیم.

به شکل تعاونی‌های خودبرای تولید و مصرف و فروش کمک کنیم.

- برای بدست آوردن محصول بیشتر و مرغوب‌تر، از راه گرفتن وسایل کشاورزی، مانند تراکتور و کمباین و نیز بذر مرغوب و کود و اعتبارات مالی و وام تولیدی با شرایط مساعد.

- برای کوسس یکدل و یک جهت، با مقامات مسئول آب زراعی را تامین کنند و به تعمیر و لارویی فنانها و حفراچه‌های عمیق و نیمه عمیق توجه نمایند.

- برای نوسازی و عمران روستایی و برای داسن امکانات رهایی مانند مدرسه و درمانگاه و مسجد و کتابخانه و آب آسایشی و برق و در یک کلمه، برای داسن زندگی بهتر.

### چرا باید اتحادیه‌های دهقانی خود را تشکیل دهیم؟

هیچکدام از ما به‌تنهایی نمی‌توانیم به این خواسته‌های سرور و به حق خود برسیم. ولی هرگاه متحد باشیم، حرف ما در رو خواهد داشت و ما به همه خواسته‌های خود، به همه حقوق حقه خود خواهیم رسید. پس بیایید در هر جا که هستیم اتحادیه دهقانان ده خود را تشکیل دهیم. با نیروی اتحادیه‌های دهقانی می‌توانیم با سورای ده، که خیلی مهم است و دارای اخبارات و امکانات اجرایی است، با ادارات دولتی و با نهادهای انقلابی، بخصوص جهاد سازندگی و سناه باسداران، تماس بگیریم، حق خود را بخواهیم و خواسته‌های خود را مطرح کنیم. یکدست صدا ندارد. اما اتحادیه، صدای صداهاست، که در جامعه انقلابی ما سبیده خواهد شد.

### اتحادیه دهقانی چیست؟

اتحادیه دهقانان، یعنی این که دهقانان زحمکس یک روستا، یا چند روستای نزدیک بهم، که بخواهند به هدف‌هایی که کسب برسد و مل داسه باشند که برای رسیدن به خواسته‌های سرور و برحق خود همکاری کنند، با هم متحد شوند و بر اساس خواسته‌های سرور و مبارزه قانونی و طرح و تنظیم خواسته‌ها و اسراک سعی

### دهقانان عزیز!

انقلاب برشکوه ما بهره‌ری امام خمینی هر روز بیشتر گسترش می‌یابد و بر بیکر لبید شیطان بزرگ - امریکای جنایتکار - زخمهای کاری تر و ارمیکند ولی سلطان بزرگ و نوکران و همدستان داخلی او، یعنی ضدانقلاب، بیکار نیستند و هر روز و هر ساعت به توطئه‌ها و نقشه‌های جایگزینانه جدیدی دست می‌زنند.

مالکان و سرمایه‌داران بزرگ ارضی و همدستان آنها، از روزی که فهمیدند طبق قانون باید زمین‌های غصبی آنها مصادره شود و به دهقانان تهیدست، که آباد کننده زمین هستند، واگذار گردد، در روستاها بر دامنه سيطنت‌ها و دسیسه‌ها و نقشه‌های جنایتکارانه خود افزوده‌اند و سعی می‌کنند از اجرای قانون اصلاحات ارضی جلوگیری کنند. آنها موتورهای جاهل‌های آب، تراکتورها و ماشینهای کشاورزی را خراب می‌کنند، مزارع را ویران می‌سازند، کود و بذر را می‌برند و غارت می‌کنند، حتی خرمن‌ها را آتش می‌زنند، بین دهقانان دودستی و دعوا راه می‌اندازند و عمال خود را، اعم از حماقتار یا روحانی‌ها، به میدان می‌فرستند.

دهقانان عزیز! ما در این شرایط وظیفه داریم که از انقلاب بزرگمان و از زندگی خودمان دفاع کنیم و نقشه‌های ضدانقلاب را نقش بر آب سازیم و بهانه‌های آن را بگیریم. کشاورزی را شکوفان کنیم و بوضع ده و زندگی خودمان سرورستی بدهیم. ما زمانی موفق خواهیم شد که متحد شویم، و برای این کار، اتحادیه‌های خود را تشکیل دهیم.

### چرا ما دهقانان زحمتکش باید متحد و یکپارچه باشیم؟

- برای نیروی درمبارزه بر ضد سلطان بزرگ امریکا و سيطنت‌های دست‌نشانده آن، برای رهایی از ظلم و ستم بزرگ مالکی، برای مبارزه با سلف. خران و دلالان و واسطه‌های سودجو و رباخواران. برای آنکه بتوانیم برادروار کار و زندگی کنیم.



تمام ثروت این پیرزن روستائی همان بقیچه‌ایست که بر روی سرش، هنگام برگشت از یکشنبه‌بازار، حمل می‌کند. محتوی این بقیچه مقداری کاردستی و کالاهای ارزان‌قیمتی است که در یکشنبه‌بازار کیاکلا (قائم‌شهر) عرضه شده‌است. سالخوردگان کشور، بعد از سالها تلاش و کار، باید از بیمه و زندگی راحت برخوردار باشند.

## زمینه فعالیت ضدانقلاب را با هوشیاری و قاطعیت باید از بین برد به خواسته‌های بحق مردم بندر دیلم رسیدگی کنید

بندر دیلم یکی از بخش‌های استان بوشهر است، که تمام و کمال مهر عقب ماندگی میراث رژیم ساه سابق را سرخود دارد.

در میان تمام عقب ماندگی‌های این شهر، باید از جمله از خرابی عظیم وضع آب و برق نام برد. از اول تابستان، مردم دیلم در هر ۲۴ ساعت، سه ساعت برق داشتند، که اخیراً "برای شراب شدن" آخرین زین‌شور مولد برق، شهر در بی برقی کامل بسر می‌برد. نبودن برق باعث شد، که یخ نیز در شهرها یاب گردد و در این تابستان داغ جنوب زندگی مردم شهر به کلی فلج شود. اخیراً از طرف بخش‌داری و جهاد سازندگی بندر دیلم تصمیم گرفته شد که از برق سرتاسری سددز برای بندر دیلم استفاده کنند. بر همین منظور در مصادا حاش تیرهای برق برآمدند. مستعاقب آن زمینداران کلان و بازرگانان بزرگ، که هیچ نظر خوشی به انقلاب ندارند، در صدد سوء استفاده از این وضع برآمدند و با توجه به خواست روستائیان مبنی بر داشتن برق، آنها را تحریک کردند که جلوی احداث تیرهای برق را بگیرند. ضدانقلاب کوشید که به دهقانان اینطور وانمود سازد، که دولت به هیچ وجه در فکر آنها نیست و برق را فقط برای نهرمی خواهد. از طرف دیگر تعدادی از نیروهای ضد انقلابی در بندر دیلم در صدد تحریک بیشتر مردم برآمده‌اند و می‌کوشند مردم شهر و روستا را به جان یکدیگر بیندازند. ما ضمن محکوم کردن این توطئه‌های ضدانقلاب، از مقامات مسئول مملکتی می‌طلبیم که به خواسته حق مردم دیلم و روستاهای اطراف رسیدگی کنند و نگذارند که در این گرمای طاقت فرسای تابستان جنوب، نیش از این به مردم رنج‌دیده دیلم فشار وارد آید. نباید گذاشت که عوامل امپریالیسم آمریکا، زمینداران بزرگ و گروهکهای ضدانقلابی از این وضع مردم دیلم سوء استفاده کنند. باید با بر آوردن خواسته‌های حق مردم دیلم و روستاهای اطراف، زبیریای ضدانقلاب را خالی کرد و زمینه هرگونه فعالیت در جهت تضعیف انقلاب را از بین برد.

## مسائل دهقانان از زبان وکلای مجلس حجت الاسلام محسن رهامی نماینده خدا بنده

آقای حجت الاسلام محسن رهامی، نماینده خدا بنده در مجلس شورای اسلامی ایران، ضمن گفتگویی با خبرنگار کیهان ضمن تشریح موقعیت جغرافیایی خدا بنده، پاره‌ای از مشکلات دهقانان حوزه انتخاباتی خود را مطرح و گفت: "منطقه ما یکی از مناطق فراموش شده مملکت است، بطوریکه وقتی بنابر مجلس اظهار داشتیم نماینده خدا بنده هستیم، عده‌ای حتی نمی‌دانستند که خدا بنده کجاست. منطقه ما منطقه محرومی است بین ابهر - زنجان - بیجار قزوین و همدان با بیش از ۹ هزار کیلومتر مربع وسعت و چهار صد روستا و یک شهر و نزدیک به دویست هزار نفر جمعیت. مردم خدا بنده و روستاهای اطراف آن از طریق کشاورزی ارتزاق می‌کنند و این در حالیست که زمینها در دست فئودال‌ها و به اصطلاح گردن کلفت‌های منطقه است و چون اصولاً استان زنجان منطقه خانزاده و فئودالیزاده است، شمار روستایی را نمی‌توانید پیدا کنید که در آنجا خان یا فئودالی غالب زمین‌های حاصلخیز را در اختیار نداشته باشد. از طرفی چون مردم نمی‌توانند از راههای دیگر زندگی کنند و زمین و آب هم به اندازه کافی ندارند، این است که مجبور می‌شوند برای کار در کارگاهها و مراکز کارخانه‌های سوهی‌شهرها و مراکز سراسری شوند، که این مهاجرت‌ها در غالب اوقات نه تنها وسیله آزارش و آسایش آنها را در شهرها فراهم نمی‌آورد، بلکه به عکس علاوه بر ایجاد مشکلات اجتماعی، موجب می‌شود که از سطح تولیدات کشاورزی و دامی به مقدار قابل توجهی کاسته شود، و من بیستنه‌امی کنم که دولت ایجا در مراکز صنعتی در این

## بسه خواسته‌های آلونک نشین‌های خیابان زنجان جنوبی رسیدگی کنید

اخیراً عده‌ای از عناصر سود جو و فرمت طلب، با سوء استفاده از خواست آلونک نشین‌های خیابان زنجان جنوبی برای مسکن، گروهی از آنها را به نام "کمیته" محل نزد کمیته امام برده‌اند ولی در آنجا نام خویشاوندان و آشنایان خود را به بنیاد مسکن داده‌اند، آن‌ها زمینهای با یرمقابل آلونکها را، که در واقع باید به آلونک نشین‌های خیابان زنجان جنوبی داده شود، بین خود تقسیم کرده‌اند. این عمل باعث نا راحتی و خشم شدید آلونک نشین‌های خیابان زنجان جنوبی شده است، بطوریکه با ارسال نامه‌ای به نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران، خواست رسیدگی به وضع خود شده‌اند. در قسمتی از این نامه آمده است: "ما از نمایندگان مجلس خواهانیم که هر چه زودترین مسئله را در مجلس مطرح نمایند، تا به این کار رسیدگی شود، ما به شمارای دادیم و از شما توقع داریم، نمایندگان ما باید به دردمان برسند و مشکلات ما را حل کنند. چرا با دید بیدار لیتی به این حد برسد که عده‌ای دغل باز از ما استفاده کنند و برای خود مسکن تهیه نمایند."

چه زودترین مسئله را در مجلس مطرح نمایند، تا به این کار رسیدگی شود، ما به شمارای دادیم و از شما توقع داریم، نمایندگان ما باید به دردمان برسند و مشکلات ما را حل کنند. چرا با دید بیدار لیتی به این حد برسد که عده‌ای دغل باز از ما استفاده کنند و برای خود مسکن تهیه نمایند."

عدالت را اجرا کند، آنرا به حساب اسلام، نکذارند. انشاء الله در آینده نزدیک با همکاری مردم و مجلس شورای اسلامی بر مشکلات فائق خواهیم آمد. دهقانان ستم‌دیده کسورمان به حق از نمایندگان مجلس شورای اسلامی انتظار دارند که از تریبون مجلس ندای حق - طلبانه آنان علیه سیستم حاکم بر انداز بزرگ مالکی و بقایای فئودالیسم تعکس یابد. مجلس شورای اسلامی می‌تواند و باید بدخلال مشکلات دهقانان زحمتکش را

منطقه را در مسائل اقدامات عمرانی آینده خود قرار دهد. آقای رهامی ضمن تشریح مشکلات دیگر دهقانان، از جمله نقایص موجود در بهداشت، آموزش، راه‌های ارتباطی، کمبود آب آشامیدنی و کمبود بودجه جهاد سازندگی برای فعالیت‌های عمرانی گفت:

"چون اعتباری که برای منطقه خدا بنده و حومه در نظر گرفته شده است، در مقابل نیازها و خواست‌های بسیار ناچیز است، چنانچه اعتبار کافی برای منطقه خدا بنده در نظر گرفته شود، شرایط ایجاد مجتمع‌های کشاورزی و دامی زیاد و نیروی انسانی نیز به اندازه کافی وجود دارد و من فکر می‌کنم که این بهترین راه برای جلوگیری از خروج روستائیان به شهر باشد. بنابراین امیدواریم که در آینده نزدیک به این موضوع نیز رسیدگی شود."

مسئله دیگری که آقای رهامی بعنوان یک مشکل اساسی مطرح ساخت، کمبود نیروهای انتظامی برای تأمین امنیت منطقه است. وی خاطرنشان کرد که:

"این موضوع از اهمیت خاصی برخوردار است، چون خدا بنده به سبب موقعیت خاص خود هر آن در معرض خطرات احتمالی ناشی از تجاوز و توطئه ضدانقلاب قرار دارد، که البته این موضوع را بنده به وزیر محترم کشور، دادستان انقلاب و سایر مقامات مربوط یادآوری کرده‌ام. آقای رهامی در پایان صحبت‌های خود با تکیه به ضرورت حل مسائل دهقانان، گفت:

"یقیناً تا مین زندگی مردم و به خصوص روستائیان در کناره‌های عدالت اسلامی است و این دو مکمل هم هستند. و من عقیده دارم که بدون تأمین زندگی روستائیان امکان برقراری عدالت اسلامی محال است و در چنین صورتی این عدالت نیست و من حکومت اسلامی را با این وضع لفظی بیس نمی‌دانم. ما همه جا به مردم این وعده را داده‌ایم که آن‌ها تا به حال سده و نتوانسته

# گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند. زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

# مائوئیسم...

بدون تردید، سرست انقلابیان را عمیقاً درک کنیم و سوارهای میان تپتی و سراب آفرین را، که ما را بدنبال نخودسیاه می‌فرستد و حقیقت زنده را فدای رویای بی‌سرنوشت می‌کند، سه‌ریا لادن ببیند ازیم.

وقتی میکوشیم خلعت عینی انقلاب ما، مثل همه انقلابیای سیزدهم مندا مابسه خدا میریالیستی است، معنای علمی و اصولی این سخن را دریا فت کنیم، خلعت عینی خدا میریالیستی انقلاب ایران یعنی چه؟ یعنی اینکه انقلاب به غارت افسارگسیخته مالی و انحصاری و سیادت ارباب منشا نه سیاسی و نظامی امپریالیسم جهانی و بویژه سرکرده آنها آمریکا در ایران و منافع استراتژیک آنها در منطقه، سردهای جانانه و مرکب‌باری زده است. آسی‌باندی انقلاب ایران با امپریالیسم، جوهر تاریخ ماضی ایران است:

گودنای خانها براندا زاسفند ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ به استکار اروپا نظارت مستقیم امپریالیسم انگلیس و آمریکا انجام گرفت. پس از ۴۰ هزار دستار نظامی آمریکا و سبک‌چینی ساواک زیرکنترول دقیق سیا و تسلیمت سرویس ایران را بصورت مستعمره تمام عیار و غیررسمی آمریکا درآورد. ده میلیارد دلار هزینه نظامی و جاسوسی و تسلیحاتی توسط امپریالیسم اوسای غربی و آمریکا برای سرازیر کردن دلارهای نفتی به جیب کشاد کمپانیهای امپریالیستی بما تحمیل شد. با زارتولید طبیعی اقتصاد کشاورزی ماباطرحهای متخصص کارسان غربی بیه زوال سون دادند. مانع و مپهره رنگ ردهای ارما سیر عظیم نظامی و زارتده کندیهای اربا رارحیاسی سرمایه امپریالیستی بودیم. و ساری استکسهای این فلاکت بایان دهیم، با بدان ساختار و سرنوشت را از بیخ و بن برکنیم، یعنی ریشه‌های مسموم امپریالیسم را در اس خاک بخشکسیم و اقعیت عینی یعنی اس مبارزه واقعی و بی انحراف نسبی این، و همه ان برنامها و سیاستها و سورپتایی که در "حی" و راست میخواد این بدبیبی برین وجهه وظیفه انقلاب مسا را ماستمالی کند، جای دشمن اصلی و حاضر را با دشمن فرعی و موهوم عوض کند و انقلاب سوزاد ایران را از زهمزدن، حبهه انقلاب جهانی، مسزوی سازد، با هر شکل و سالی که وارد شود، سبها در خدمت یک نیروسوت امپریالیسم!

ما شوئیسم این نروسوت. این کسریک خزیده در سوس میس است. اکثر این کسریک در جایی از دنیا، به یک انقلاب ضد امپریالیستی کمربین مددی رسانده، به انقلاب ما هم میتواند برسند. اما آنکه در بناس جهانی دسین دردست آمریکا و سوجدهای فدونیسمه است، چگونه میتواند علیه آمریکا و متحدان سباید؟

چها کالی در کارا انقلاب ما وجود دارد که، اینجا و آنجا، با شوئیستها اندیشیده عربان و فعالان را میتوانند پووشی از ریس و سالی از تسلیح و آداب نمایی بسوسا سد و برایتی مستری دست و پا کنند؟ کجای نارا براد دار که بدن انقلاب این تزییمت سباید تا قطعاً نه دفع نمی‌کند و منابع میکرب زای آنرا درهم نمی‌کوبد؟ انقلاب شکوهمند ایران چه وجه مشترک و نقاهم آرمانی میتواند با همدستان و ساداران ارتجاع فدخلخی جهانی داشته بساید؟

تا مل روی این سوال هیچ کمتر از یک وظیفه انقلابی نیست

هدار ما بیستراز همه به عناصر هادق خدا میریالیست مذهبی است که خطر مائوئیسم را دست کم نمی‌گیرند. مما سات و حتی بی تفاوتی در برابر ترسندهایی که تبلیغات "دوا بر درد" و "تشریح سه‌چان" و "تخطئه دیگر انقلابها" مظار سناخته شده و بارز است، مما سات با امپریالیسم و مجال دادن به خدا انقلاب تعاد راست مبارزه نمربخش با ما شوئیستها، در هر لاسی که هستند، طرد آنها از دستکهای دولتی، جلوگیری از اخلال اسها در خارج از دستگاه حکومتی، فقط با مبارزه با نظرات آنها و اقبای کنه این نظرات میسر است. چنین مبارزه‌ای جا معه را در برابر یکی از موزی‌ترین میکربهای عدانقلابی و اکسینه می‌کند. آخر، متحدان سبطن سزک هم مثل خود او سباید سی فکر میکنند و سبطن، علی‌رغم ربان حرب و نرمس، افسون سدگان را تنها به یک جا هدایت میکنند: جهنم.!

# حمله نظامی دولت صهیونیستی اسرائیل به جنوب لبنان و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا در منطقه

نیروهای اسرائیل سه‌شنبه شب (۲۹ مرداد) در جنوب لبنان به مواضع فلسطینی حمله کردند. طبق اظهارات سخنگوی ارتش اسرائیل، این حمله در منطقه "ارنون ریج" در امتداد رودخانه لتیان صورت گرفت. در نسخه این حمله چندین فلسطینی و خدفر لیبانی کشته شدند. در این حمله مواضع تویخانه، خیابان‌ها و سلاجهای ضد هوایی فلسطینی در این منطقه نابود شده‌است. سخنگوی ارتش اسرائیل افزود که این حمله بخشی از عملیات تعرضی است که منظور خنثی کردن حملات فلسطینی علیه اراضی اشغال شده از جانب اسرائیل صورت می‌گیرد. بدینال این حملات، برابر اخبار و گزارشهای منتشره در مطبوعات، نیروهای اسرائیلی در ساعت ۳ بامداد چهارشنبه ۳۰ مرداد، با استفاده از هلیکوپترهای نظامی در چهار نقطه در جنوب لبنان پیاده شدند. چریکهای فلسطینی در این چهار نقطه در برابر واحدهای متجاوز اسرائیلی مقاومت کردند و در نتیجه واحدهای اسرائیلی پراز چند ساعت مجبور به عقب‌نشینی و از این نقاط در جنوب لبنان خارج شدند. بامداد روز سه‌شنبه (۲۹ مرداد) هواپیماهای جنگی اسرائیلی پایگاههای چریکهای فلسطینی در اطراف شهر "بدفور" را بمباران کردند.

نشان توفیتی، نماینده لبنان در سازمان ملل متحد، علیه تجاوزات جدید اسرائیل، از جمله حمله هوایی اخیر و پیاده کردن کماندوهای اشغالگر در شمال شهر میدون، در روزهای ۲۳ و ۲۴ مرداد، به رئیس شورای امنیت سازمان ملل متحد اعتراض کرد.

عملیات تجاوزی نیروهای مسلح اسرائیلی در جنوب لبنان علیه رزمندگان فلسطینی، که بدینال اقدام سیاسی ماجراجویانه دولت صهیونیستی اسرائیل انجام می‌گیرد، بار دیگر موبد این واقعیت است که، رژیم صهیونیستی اسرائیل به فتنه‌های تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه خود علیه کشورهای عربی مورد تجاوز و بویژه خلق عرب فلسطین همچنان ادامه میدهد و تلاش دارد خلق عرب فلسطین را از داشتن سرزمین و دولت مستقل ملی محروم کند.

فتنه‌های تجاوزکارانه و توسعه‌طلبانه اسرائیل را نباید جدا از سیاست کلی امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در این منطقه و استراتژی نظامی جهانی آن بررسی کرد.

اسرائیل در جنگهای تجاوزکارانه خود علیه مصر و سوریه و لبنان و اشغال سرزمینهای این کشورها و خلق عرب فلسطین، همواره مورد پشتیبانی کامل آمریکا بوده و این جنگها با کمک نظامی و حمایت سیاسی آمریکا انجام گرفته است. موافقتنامه‌های کم‌دیوید میان اسرائیل و رژیم خیانته‌سادات، که موجب تثبیت نتایج تجاوزکاری اسرائیل و پایمال کردن حق تعیین سرنوشت خلق عرب فلسطین و محروم کردن آن از داشتن سرزمین و دولت مستقل ملی گردیده، بخشی از طرحهای تجاوزی امپریالیسم آمریکا علیه کلیه رژیمهای مستقل ملی و جنبشهای رهایی‌بخش خلقهای این منطقه است.

پس از تحولات انقلابی، که در این منطقه روی داد و بویژه پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، انقلاب دموکراتیک در افغانستان و تشکیل جبهه پایداری از کشورهای مستقل ملی عربی و سازمان آزادبخش فلسطین در برابر تجاوز اسرائیل، اسرائیل بیش از پیش به سرکس تجاوز و کانون توطئه علیه کشورهای مستقل ملی در این منطقه تبدیل شد.

برابر اسناد و مدارکی که در مطبوعات کشورهای مختلف جهان بازتاب یافته، دولت اسرائیل، پس از سرنگونی رژیم دیکتاتوری و چنانیکار شاه سابق در ایران، در تمام توطئه‌های سیاسی و فتنه‌های مداخله‌نظامی امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مستقیم‌ترک دانسته است. بسیاری از سواک‌های فراری و دیگر عناصر ضدانقلابی در اسرائیل متمرکز شده‌اند و از جانب موساد (سازمان جاسوسی اسرائیل) سازمان و تعلیم داده میشوند و برای شرکت در توطئه‌های نظامی و خرابکاری علیه جمهوری اسلامی ایران، به ایران اعزام می‌گردند. ماوران عالی‌رتبه سازمان جاسوسی اسرائیل و ژنرالهای ارتش اسرائیل با پشتیبانی، اوسبی، بالزیان و اشرف، خواهر معلوم‌الحال شاه سابق، دز تماس دائمی هستند و طرحهای توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب جمهوری اسلامی ایران را بررسی میکنند. دولت اسرائیل و کارشناسان نظامی آن در تدارک برای اجرای این طرحها شرکت فعال دارند.

حملات نظامی چندروز اخیر نیروهای مسلح اسرائیل به جنوب لبنان و بمباران مواضع فلسطینیها، ضمن اینکه هدف تضعیف و درهم‌شکستن مقاومت سازمان آزادبخش فلسطین و دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری را دنبال میکند، بخشی از توطئه کلی امپریالیسم آمریکا علیه رژیمهای مستقل ملی در منطقه و علیه انقلاب و جمهوری اسلامی است. امپریالیسم آمریکا، با پشتیبانی از عملیات تجاوزی اسرائیل در جنوب لبنان، تلاش دارد که اوضاع منطقه را هرچه بیستر متشنج سازد و برسیده اسرائیل یک‌دگرگیری مسلحانه به مقیاس منطقه ایجاد کند، تا با استفاده از چنین وضعی، بتواند نیروهای مسلح خود را که در تمام پایگاههای دریایی و زمینی در این منطقه حضور دارند، وارد عمل‌بازد و احتمالاً طرحهای مداخله مسلحانه علیه ایران را بمنظور براندازی رژیم جمهوری اسلامی ایران از این طریق پیاده کند.

در برابر این توطئه‌های تحریک‌آمیز و فتنه‌های تجاوزگرانه امپریالیسم آمریکا، اسرائیل و دیگر رژیمهای دست‌نشانده آمریکا، که علیه جمهوری اسلامی ایران، سازمان آزادبخش فلسطین و دیگر کشورهای عضو جبهه پایداری است، اتحاد و همبستگی همه کشورهای و نیروهای ضد امپریالیستی در برابر تجاوز اسرائیل و توطئه‌های امپریالیسم آمریکا از عواملی است که میتواند به استحكام مواضع انقلابی و ضد امپریالیستی این کشورها و همچنین مواضع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مساعدت کند و فتنه‌های تجاوزی و طرحهای توطئه امپریالیسم آمریکا و دستیاران آنرا در منطقه به شکست و ناکامی محکوم سازد.

## رویدادهای جهان

شورای جهانی صلح مردم جهان را به گسترش مبارزه علیه سیاست تحریک‌آمیز آمریکا دعوت کرد

شورای جهانی صلح باصلاح استراتژی جدید هتته‌های آمریکا را دعوت و تحریکی بسوی جنگ‌خواند و اعلام کرد که مفهوم امکان‌استفاده محدود از سلاحهای هسته‌ای از نظر نظامی بی‌وجه و خطرناک است. شورای جهانی صلح تأکید کرد که دکترین جدید کاخ سفید قسمتی از سیاست خارجی آمریکا است، که از جمله استقرار موشکهای جدید هسته‌ای در اروپا، تقویت نظامی در اقیانوس هند و خلیج فارس و حفظ صدها پایگاه در کشورهای دیگر از اجزاء آن است.

شورای جهانی صلح از همه مردم باحسن‌نیت جهان خواست که مبارزه را علیه این سیاست تحریک‌آمیز گسترش دهند.

شورای امنیت سازمان ملل متحد، با توهین و بی‌احترامی، تصمیم می‌گیرد تا تغییرات در رژیم اسرائیل را در مورد تبدیل بیت‌المقدس به پایتخت اسرائیل محکوم کند

آمریکا به ایسن قطعنامه رای «متنع» داد. رای متنع نماینده آمریکا بار دیگر نشان میدهد که صهیونیست‌های تل‌آویو در مورد تبدیل بیت‌المقدس به پایتخت اسرائیل محکوم کرد

آمریکا به ایسن قطعنامه رای «متنع» داد. رای متنع نماینده آمریکا بار دیگر نشان میدهد که صهیونیست‌های تل‌آویو در مورد تبدیل بیت‌المقدس به پایتخت اسرائیل محکوم کرد

شورای امنیت سازمان ملل متحد، مصوبه شورای امنیت را وتو کند، اما بخاطر اینکه مزدوران سرسپرده خود مانند ملک‌خاند، سادات، ملک‌حسن و شیوخ مرتجع خلیج فارس را، که از ترس ملت‌های خود در هتته‌های اخیر، در حرف با تبدیل بیت‌المقدس به پایتخت اسرائیل مخالفت کرده‌اند، بیش از پیش متشنج نکند، رای متنع داده‌است.

## خلق ستم‌دیده شیلی مبارزه علیه دیکتاتوری خون‌آشام پینوشه را گسترش میدهد

خبرگزاری اسپانیا در گزارشی اعلام کرد که تظاهرات بزرگی در ساتیاگو پایتخت شیلی علیه‌دارو دسته فاشیستی پینوشه برپا شد و تظاهرکنندگان در خیابانهای اصلی شهر راهپیمایی کردند و علیه به‌اصطلاح فرزندم یازدهم سیتامبر، سالگرد کودتای خونین، شعار دادند. تظاهرکنندگان فریاد می‌زدند که این «فرزندم» حیل‌های از سوی رژیم برای قانونی کردن نظام دیکتاتوری سرسپرده است. پلیس مزدور شیلی به تظاهرکنندگان حمله کرد و دهها تن بازداشت شدند. از سوی دیگر، بنابه گزارش همین خبرگزاری، در حومه‌های ساتیاگو شب‌نامه‌هایی علیه رژیم دست‌نشانده شیلی و اربابان آمریکایی آن‌بخش شده است.

## در جهان سوسیالیسم

افزایش درآمد ملی در کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی

آخرین آمارهای که چندی پیش از سوی دبیرخانه "شورای همکاری اقتصادی" منتشر شد، بار دیگر رشد بویا، کارایی و ز-افزون و بهر وزی هرچه بیشتر کشورهای عضو را به نیوت می‌رساند. در دهه هفتم سده ما، درآمد ملی کشورهای عضو "سورا" ۶۲ درصد افزایش یافت. بدین سان، میانگین رشد سالانه درآمد ملی در این کشورها ۵/۵ درصد بود. در این سالها سهم صنعت، ساختمان، ترابری و ارتباطات در تولید درآمد ملی بیشتر شد.

سرما به‌گذاری در اقتصاد ملی ۷۱ درصد افزایش یافت و میانگین رشد سالانه به ۶/۱ درصد رسید. در سالهای نامبرده، کشورهای عضو شورای همکاری اقتصادی به ویژه به گسترش پایه مادی - تکنولوژیک - اقتصاد خود پرداختند و در حدود سه چهارم وسایل موجود را صرف گسترش نوسازی و بازسازی بخش‌های تولید مادی کردند. سی تا ۵۵ درصد این مقدار مصرف صنعت شد. تقریباً همه کشورهای عضو "سورا"، سرمایه‌گذاری خود را در بخش‌های غیرمولد مانند برنام‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی، به ویژه خانه‌سازی، افزایش بخشیدند. در سالهای ۲۹-۷۱، ۱۹، بیش از ۲۷ میلیون خانه در این کشورها ساخته شد. بسخن دیگر، سالانه ۸/۱ خانه، برای هر هزار شهروند احداث گردید.

افزایش تولید صنعتی در کشورهای عضو "شورای همکاری اقتصادی" در سالهای نامبرده ۷۸ درصد، یعنی میانگین آهنگ رشد سالانه آنها، ۶/۶ درصد بود. در ضمن، به بخش‌هایی که پیشرفت علمی-فنی از همه پیشتره آنها وابسته است، اولویت بیشتر داده شد. برای نمونه، تولید مهندسی مکانیک ۲/۴ برابر، تولید برق ۱/۷ برابر و تولید شیمیایی ۲/۱ برابر گردید.

گسترش سریع بخش‌های ساختار سازه افزایش سهم نسبی آنها در تولید نا و ویژه صنعتی آنجا مید. عالیترین آهنگ‌های رشد، در بخش‌های تولید ابزار ماشین، اتوموبیل، تراکتور و ماشین‌های کشاورزی و ساختمانی حاصل شد.

## در جهان سرمایه‌داری

وضع کنونی صنعت فولاد آمریکا دورا ژرکود بزرگ را به یاد می‌آورد

روزنا مه‌های آمریکا وضع صنعت فولاد سازی آن کشور را "فاجعه آمیز" ارزیابی کرده‌اند. در حدود نیمی از ظرفیت تولید این صنعت عاطل است. از ۴۵۰ هزار فولادکاری، که زمانی به تولید مشغول بودند، اینک فقط ۲۶۹ هزار نفر باقی مانده‌اند و هنوز هم سرنوشت بی‌کاری در انتظار برخی از آنهاست. همین چندی پیش، شرکت "بئتلهم استیل کارپوریشن" در بآلتیمور (ایالت مریلند) اعلام کرد که، تولید خود را تنزل داده است. "ری بآلتیمور" استیل کارپوریشن نیز در شیب خود در آلابا ما و اوها یو به‌آخراج کارگران دست زد. چنانکه روزنامه "گریشن سانیس ما نیثور" نوشت، وضع کنونی صنعت فولاد در آمریکا تنها با دوران "رکود بزرگ" سالهای ۳۰ قابل مقایسه است. یکی از علل عمده کاهش تولید فولاد را در ایالات متحده آمریکا در بحران صنعت اتوموبیل سازی باید دید، که یکی از مهمترین مشتریهای آنست. برای نمونه، در نیمسال اول ۱۹۸۵، تولید اتوموبیل در مقایسه با دوران مشابه در سال پیش، ۲۹ درصد کاهش یافت. فروش اتوموبیل در دهه سوم ژوئن به سطحی تنزل پیدا کرد که در ۲۲ سال گذشته بیسابقه بوده است. همچنین کاهش تولید صنعت کشتی سازی نیز در بحران ساخت فولاد سازی بی‌تأثیر نبوده است. یکی دیگر از دلایل کاهش تولید فولاد، آنست که، برخی از کارفرمایان، به علت عدم توجه کافی به آخرین دستاوردهای علم و فن، از عهده رقابت با زار برنمی‌آیند.

به نوشته "بیزنس ویک"، "بو اس - استیل" در ۵ سال اخیر ۷۲ درصد سود خود را به عنوان سود سهام توزیع کرد. این رقم در "بئتلهم استیل" حتی ۸۲ درصد بوده است. بدین ترتیب، پول کافی باقی‌نمی‌ماند که صرف نوسازی و تولید شود و با در نوسازی و بهبودی علمی - فنی سرما به‌گذاری گردد.

# برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جبهه متحد خلق



# طرح سند «سه جزیره» در شرایط کنونی، توطئه جدید امریکا علیه انقلاب و جمهوری ایران

خبرگزاری پارس، به نقل از خبرگزاری فرانسه، گزارش داد که، رشید عبدالله، وزیر امور خارجه امارات متحده عربی، در مورد مسئله سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، واقع در خلیج فارس، به دبیرکل سازمان ملل متحد اعتراض کرده است.

این سه جزیره در سال ۱۳۵۰، پس از خروج نیروهای نظامی انگلیس از منطقه خلیج فارس، بوسیله نیروهای ایرانی تصرف شدند. رشید عبدالله، در پاسخ به نامه‌ای که وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، در خردادماه سال جاری، درباره این مسئله به دبیرکل سازمان ملل متحد نوشته است، اظهار داشت که امارات متحده عربی امیدوار است که مسئله این سه جزیره از راه‌های معمولی حل و فصل شود و از اعمال تحریک آمیز اجتناب شود.

قبل از امارات متحده عربی، مسئله سه جزیره تنب بزرگ و کوچک و ابوموسی، از جانب دولت یعنی عراق مطرح گردید و دولت یعنی عراق خواستار شد که جمهوری اسلامی ایران این سه جزیره را بازگرداند. در آن موقع از جانب وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران پاسخ لازم به این خواست نابجا و غیرمنطقی دولت عراق داده شد. و اینک بار دیگر مسئله بازگرداندن این جزایر از جانب امارات متحده عربی مطرح می‌شود.

صرف نظر از اینکه خواست بازگرداندن این جزایر، چه از جانب دولت یعنی عراق و چه از طرف امارات متحده عربی، خواستی است غیرمنطقی و بی اساس، طرح این مسئله در اوضاع و احوال کنونی در منطقه و موقعیت جمهوری اسلامی ایران نمیتواند تصادفی باشد.

آنکون قریب به ۹ سال است که از جریان تصرف این جزایر بوسیله نیروهای ایران میگذرد. در دوران رژیم سابق، که این جزایر تصرف شدند، و پس از آن، از جانب امارات متحده عربی و دولت یعنی عراق مسئله استرداد این جزایر بطور جدی مطرح نگردید و علاوه بر این، در دوران اشغال این جزایر بوسیله نیروهای نظامی انگلستان، که به پایگاه نظامی امپریالیسم انگلیس علیه خلفای این منطقه تبدیل شده بودند، از ناحیه هیچ دولت و کشوری در منطقه به این وضع اعتراض نشد.

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران، امپریالیسم امریکایی علاوه بر تقویت پایگاههای نظامی و گسترش بی سابقه حضور نظامی خود در این منطقه، که مستقیماً علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، سعی کرده است که بوسیله رژیمهای دست نشانده خود در منطقه، مواضع جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کند و در روابط آن با کشورهای همجوار در منطقه تیرگی و تشنج پدید آورد. امپریالیسم امریکایی تمام تاسیسات و امکانات نظامی رژیمهای دست نشانده و تحت

نفوذ خود در این منطقه را برای اجرای طرحهای گوناگون توطئه و تجاوز و مداخله نظامی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در اختیار گرفته و در اجرای این طرحها به هر یک از رژیمهای ضد خلقی و وابسته به خود نقش و واگذار کرده است.

رژیمهای ضد خلقی و وابسته به امپریالیسم امریکایی در منطقه در تمام توطئه‌ها و عملیات، تجاوری نافرمانی که تا کنون از جانب امپریالیسم امریکایی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، مستقیماً شرکت داشته‌اند و اکنون نیز در اجرای طرح توطئه جدید، که علیه جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده میشود، سهم خود را ایفا می‌کنند.

بدین ترتیب طرح مسئله استرداد سه جزیره تنب کوچک و بزرگ و ابوموسی از جانب وزیر امور خارجه امارات متحده عربی در چنین شرایطی، از برنامه کلی توطئه‌های امپریالیسم امریکایی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جدا نیست.

رژیمهای ضد خلقی منطقه به حکم وابستگیهای سیاسی و نظامی و اقتصادی عمیق خود به امپریالیسم، بویژه امپریالیسم امریکایی، ناگزیر به اجرای رهنمودهای ارباب خود هستند. گذشته از این، آنها به اقتضای سرشت ضد خلقی و وابسته خود طبیعتاً با انقلابهای ضد امپریالیستی و رژیمهای خلقی و مستقل ملی مخالفتند و دوام و بقای این انقلابهای ضد امپریالیستی و خلقی و تأثیری را که این انقلابها در میان خلقها و کشورهای دیگر منطقه دارند، برای موجودیت و سروشت رژیم خود خطری جدی و بزرگ تلقی میکنند. به همین علت است که تمام رژیمهای دست نشانده و وابسته و ضد خلقی در این منطقه، از نخستین روز پیروزی انقلاب ایران در مواضع خصومت و مخالفت با این انقلاب قرار گرفته‌اند و از سیاست تجاوز و مداخله نظامی امپریالیسم امریکایی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تبعیت میکنند و در تلاش تضعیف و شکست این نظام انقلابی نوپا هستند.

طرح مسئله سه جزیره از جانب دولت امارات متحده عربی علیه جمهوری اسلامی ایران در چنین شرایطی، توطئه جدیدی است که طرح آن در محافل امپریالیستی تهیه گردیده است. هدف این توطئه ایجاد درگیری غیرلازم در شرایط کنونی برای جمهوری اسلامی ایران و انصراف توجه آن از خطر بزرگ واقعی موجود، یعنی توطئه بزرگ امپریالیسم امریکایی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، و تضعیف مواضع آن در برابر چنین خطری است. ما این خواست ناموجه و تحریک آمیز دولت امارات متحده عربی را در شرایط کنونی، بمثابة توطئه جدید امریکایی و نیروهای ارتجاعی و رژیمهای دست نشانده امپریالیسم امریکایی در منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران، با قاطعیت محکوم می‌کنیم.

# ضد انقلاب کتابفروشی حزب توده ایران در بهشهر را ویران کرد

صبح روز بیست و یکم مردادماه گروهی شناخته شده، با آرم بهیشتگان حزب الله، به کتابفروشی حزب توده ایران در بهشهر حمله کردند. حزب توده ایران - سازمان شهرستان بهشهر بدین مناسبت اطلاعیه‌ای صادر و در سطح شهر پخش کرد. در این اطلاعیه آمده است:

«همشهریان عزیز! روز سه شنبه ۲۱ مرداد ۱۳۵۹ ساعت ده صبح، گروهی قلیلی که شناسایی شده‌اند، با آرم بهیشتگان حزب الله به محل کتابفروشی نشریات حزب توده ایران، که بسته بود، حمله کردند و پس از کندن درب کرکره و شکستن شیشه‌ها و قفسه‌ها و میز و سندی و فیوز و کنتور برق، کلیه کتابها و نشریات را از بین بردند. این اعمال در شرایط انجام می‌گیرد که ضد انقلاب به دستور امپریالیسم قصد نابودی جمهوری اسلامی را دارد.

ما توجه مسئولین و نهادهای انقلابی را به اطلاعیه دادستان گیل و سخرانی ایشان در حوزه علیه قائم در پیچدر و مساجد با صدا و سیما جمهوری اسلامی جلب می‌کنیم، که گفته است: «با توجه به اینکه در نظام اسلامی و حکومت قانون هر عملی که انجام می‌شود باید از طریق مقامات مسئول و طبق قوانین حاکم بر اجتماع صورت گیرد، اقدام به این قبیل اعمال، علاوه بر اینکه خلاف مقررات جاری و مغل

## توضیح فرمانداری قائمشهر

به دنبال چاپ مطلبی تحت عنوان «فارسائی در امر توزیع سیمان در قائمشهر» در شماره ۲۳۳ نامه مردم، فرمانداری قائمشهر نامه‌ای به مدیریت کل ارشاد ملی استان مازندران ارسال داشته، که رونوشت این نامه برای نامه مردم فرستاده شده است. در این نامه آمده است:

- ۱- همانطوریکه اعلام داشته‌اند، مسئولیت توزیع سیمان و گچ قائم شهر به شرکتی که به همین نام تأسیس گردیده، محول شده است و فرمانداری هم با تعیین نماینده در نحوه توزیع آن نظارت دارد، و بی ترتیبی که اخیراً مشاهده شده، ناشی از کمبود سیمان در سطح شهرستان و کثرت متقاضیان بوده است، نه فقدان ضابطه.
- ۲- فرمانداری طی اطلاعیه از کلیه متقاضیان از طریق رادیو و تلویزیون مازندران خواسته است در مواردی که به احتکار و گرانفروشی یا هر نوع تقلب دیگر برخورد نموده‌اند، مراتب را کتبا اعلام دارند، تا بسا افراد متخلف برابر مقررات رفتار شود.
- ۳- بنظر این فرمانداری بستن صفحیت دریافت سیمان و کالاهائی نظیر آن، از ضروریات بوده و به حفظ انضباط عمومی کمک می‌نماید و اگر چنانچه گاهی اوقات اشخاصی در کموت متقاضیان سیمان بصورت دستچمی بفرمانداری یا شهرداری مراجعه و موجبات درگیری با برخی از ماموران را فراهم نمایند، تا آنجا که تحقیق شده مستحق و نیازمند واقعی سیمان نبوده و عمل این قبیل افراد تلاش مذبحخانه‌ای برای ایجاد هرج و مرج در محیط اداره و بسا وقت کشی مسئولان و بزرگ چلوه دادن مسئله کمبود سیمان می‌باشد.

در مورد مسئولان مقامات فرمانداری قائمشهر در ارتباط با مسئله فارسائی در امر توزیع سیمان در قائمشهر، مایه خوشحالی است. ما از آن مقامات انتظار داریم که همچنان در این امر مهم، کمال دقت و هوشیاری را بکار ببندند.

ضمناً ذکر یک نکته راین ضروریست، و آن این است که، بیجاست مسئولان فرمانداری قائمشهر ضوابط مشخصی را در امر توزیع سیمان تعیین کنند، تا از این طریق اولیایان بستم متقاضیان به سهولت برسد، و نالی دست واسطه‌ها و محترکان کوتاه شود.

کارتر و در حقیقت «کارتل»ها و طبقه حاکم امریکا و دیگر امپریالیستهای جهان همین کمک را سوار کرده‌اند و تبلیغ می‌کنند که گویا جهان اسلام با جهان مسیحیت و مذهب اسلام و مذهب مسیح گلاویز شده‌اند.

آنها گاه طرحهای دیگر هم می‌ریزند. چنانکه مرحوم کاشف الغطاء بزرگ و بزرگوار را به «انجمن مسیحیان آمریکائی طرفدار صلح در خاورمیانه» دعوت کردند تا با توجه به «مشترکات اسلام و مسیحیت» در زمینه «استقرار عدالت و صلح و ایمان» جلسه و کنفرانس تشکیل دهند و علیه کمونیسم ملحد ضد دین که دشمن مشترک اسلام و آمریکائی مسیحی است جبهه واحدی تهیه فرمایند! کاشف الغطاء که نقشه آنها را دریافت همان ابتدا با نوشتن نامه‌ای شدیدالحن و افشاگرانه به آنها فرمانده که خری کیست!!

به آنها گفت که چگونه در ریتم و الجزایر و لبنان و فلسطین و عراق، صلح و عدالت و ایمان را مستقر کرده‌اند! الجزایری‌ها، آفریقایبیا و هر کشور استعمارزده بیاد دارند که چگونه قبل از ورود قسوائ استعماری، همواره دسته‌ای از باسلاطح مسیونریهای مسیحی و مبشرین روحانی و کشیشان کلابی، پیشقراول و پلاییدار سپاه استعمار بوده‌اند. اول به بهانه هدایت و ارشاد و بعد ارشاد به امریکا و هدایت به دنیای غربت و جنگ و استثمار... (اطلاعات، دوشنبه سوم شهریور ۵۹)

تبع آور این وزیر ورشکسته به تفسیر نمی‌یابد؟ مطابق چگونه احساس مسئولیتی است که مسئول سیاست خارجی ایران، علنا اعلام میدارد، «کشورهای جهان پرسند سفارتخانه‌هایشان در تهران را بعد اقل تقلیل داده‌اند، برای اینکه امنیت ندارند این «دیپلماسی» بسود کیست؟ اینقدر مسلم است که بسود جمهوری اسلامی ایران نیست - و این آقای وزیر جلال‌نصاب، حتی از امکان سقوط جمهوری اسلامی نیز سخن گفت و ناخود آگاه، ولی با اطمینان از آینده‌های دیگر، غیر از آینده‌ای که مردم مستضعف ایران آرزوی آنرا دارند، یعنی آینده‌ای، بیشتر مطابق با خواب‌هایی که امپریالیست‌ها، دشمنان خوشبختی مردم مستضعف ما دیده‌اند، سخن بیان آورد. اما مستضعفین ایران هنوز فالتنه، و اجازه‌ی تغییر چنین خواب‌هایی را نخواهند داد. توده‌های مستضعف ما، که با آن فداکاری‌های بی‌همتا، آن انقلاب پرشکوه را بوجود آوردند، و خود را از شر طاغوت و سیاست‌های داخلی و خارجی وی رها ساختند، قریب عوام‌فروشی‌های عوامانه امثال صادق قطب‌زاده را نیز نخواهند خورد، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، آن سیاست خارجی که ما را بار دیگر اسیر روابط با پاکستان و ترکیه و اربابان امپریالیست آنها سازد، نباید باشد و نخواهد بود. قطب‌زاده بی‌بوده تلاش میکند و اگر هم می‌خواهد در این جهت یعنی در جهت اتخاذ چنین سیاستی به دولت آینده کمک کند، مستضعفین ایران چنین کمکی را نمی‌خواهند.

## کشف مرکز جاسوسی سیا در دایره استقفا هشداری برای هموطنان مسیحی

روزنامه اطلاعات می‌نویسد: «متاسفانه قدرت‌های استعمارگر جهانی، انگلستان، فرانسه، امریکا و دیگر اسلاف و اخلافشان همواره کوشیده‌اند که ساحات پاک و مطهر مسیحیت، یهودیت و اسلام را آلوده کنند. همواره در دنیای مسیحیان و یهودیان و از جمله در جمع اقلیت‌های مذهبی ایران دو قسم، دو طبقه یا دو جناح وجود داشته‌اند. همچنانکه در میان دیگر صاحبان ادیان وجود دارند. توده‌های کاربدیده و رنج‌برده، تحصیل کرده‌های مومن و روشن ضمیر و متعهد، عاشقان وفادار به مسیح و موسی و مومنان زاهد و متقی و دور از تجملات دنیوی از یکسو و بسیاری از سردمداران، طبقات مرفه، برخی از کاتبان و فریسیان و کشیشان و اسقف‌های که زنجیر عبادت «نفس» و بندگی دنیا و اربابان را به گردن انداخته‌اند و سر در پی آنها نهاده‌اند.

قدرتهای خونخوار همیشه تلاش کرده‌اند، تا با استقرار پایگاه خویش در میان اقتدار و طبقات نوع دوم، آن قدر یا طبقه گروه اول را فریب دهند و بدینالهی از خویش وادارند. اکنون در همین ایران انقلابی خودمان، امریکا بسختی تلاش میکند تا چنین وانمود شود که گویا مبارزه سرسختانه و قهرمانانه امام خمینی با امپریالیسم جهانخوار امریکا مبارزه با مسیح (ع) و مسیحیت است! دولتمداران امریکایی طبقه حاکم و سرمایه‌داران و انصاف‌گران و متخصصان پیچیده‌ترین نوع استثمار در ایالات متحده! خود کمترین اعتقادی به مسیح و مسیحیت ندارند، اما اینقدر میدانند که بازی با مسیحیت «راست‌ین» بی‌ضرر نیست، بلکه برعکس می‌تواند منافع فراوان نیز بیار آورد. آنها با تکیه بر مزدوران و جاسوسانی که در لباس محترم روحانیت مسیح به‌پایوسری و آنسوی می‌فرستند ناجوانمردانه و خفتناکه نقش می‌ریزند و توسطه می‌کنند تا یک یا چند کلیسا را به «کلیسیا» یا در حقیقت به «کلیدی» برای حل مشکلات «سیا» بدل سازند. از اینرو «برخی» از کشیشان نماها و روحانی‌نماها را آموزش می‌دهند تا با بهره‌گیری از دو نقطه «ضعف» و «دوت» موجود، اقلیت‌های مذهبی ایران را در برابر برادران مسلمانان قرار دهند...

در جلسه علنی دیروز مجلس

مجلس

# امپریالیسم آمریکا میخواهد با بسیج عراق، ترکیه و کشورهای شیخ نشین به کشور انقلابی ما یورش بیاورد

## دو فوریتی بودن طرح ترمیم جادهها و پاسگاه های مرزی غرب کشور به تصویب نمایندگان رسید. حجت الاسلام خلغالی گفت: باید با قاطعیت جلوی ضدانقلاب را در تمام زمینها بگیریم.

در جلسه علنی دیروز مجلس، که ساعت ۹:۳۰، ریاست حجت الاسلام رفسنجانی تشکیل شد و پس از سخنان قبل از دستور چندین از نمایندگان، دوفوریتی بودن طرح مرمت پاسگاهها و راههای مرزی غرب کشور به تصویب رسید.

در ابتدای جلسه دیروز و قبل از سخنان قبل از دستور نمایندگان دکتر یزدی مخبر کمیسیون تحقیق، در پاسخ اعتراض احمد سلامتیان مبنی بر عدم طرح اعتبارنامه اش در مجلس، گفت:

«این اعتبارنامه بار اول در کمیسیون تصویب شد، ولی به علت مخدوش بودن نتیجه آراء مجدداً مورد بررسی قرار گرفت و این بار برای بررسی مجدد رد شد و چون اکنون متن گزارش کمیسیون، که حاوی تمامی دلایل و شواهد باشد، تنظیم نشده، تا تنظیم شدن آن گزارش این پرونده مسکوت میماند...»

پس از صحبت های چندین از نمایندگان، قرار شد که گزارشی بر مبنای نتیجه اول رای گیری کمیسیون (و با ذکر اینکه ۷ رای موافق در مقابل ۴ رای مخالف و ۳ بیگانه، طبق آیین نامه، دلیلی بر تصویب اعتبارنامه نیست) به مجلس عرضه شود.

قائمی، نماینده بابل، اولین سخنران قبل از دستور، ضمن اشاره به مستاوردهایی که انقلاب تاکنون به آن نائل شده است، گفت:

«برخلاف نظر منفی بانان، انقلاب ما تاکنون پیروز بوده است...»

وی افزود: «اکثر دولتمردان ما با صداقت کار می کنند و اکثر اشتباهات آنان نیز ناشی از قصور بوده تا تقصیر. لیکن باید توجه داشته باشید که بعضی از همین کوتاهیها لطافت بزرگ و جبران ناپذیری به انقلاب ما وارد می آورد...»

وی آنگاه به اشتکالاتی که در کار ارگانهای مملکتی وجود دارد، اشاره کرد و گفت:

«هنوز بازماندهگان رژیم گذشته در بعضی از ادارات و مراکز مشغول کارند... هنوز بعضی از کارمندان تفهیم نشده اند که آنها خادم اند و مردم مظلوم و باید برای مردم خدمت کنند... تازه اکنون (پس از یک سال و نیم از انقلاب) شاهد کشف تراکز جاسوسی در تهران و شهرستانها هستیم... هنوز معلوم نیست که بانکهای ما «اسلامی» است یا سرمایه داری... مثل اینکه باید مرتب کارهای انجام بشود و امام تذکر دهند...»

وی در پایان سخنان خود، از وضع حوزه انتخابیه خود و منجمله پیامدن هیئت ۷ نفره تقسیم زمین بدانجا سخن گفت

بشارت، نماینده سمرق، سخنران قبل از دستور دیگر جلسه دیروز، ضمن اشاره به برخورد نادرست یکی از نمایندگان با تماشاگران در جلسه قبل، گفت:

«اینجا یعنی کسانی که هرگز در جلسات مجلس طغوثی شرکت نمی کردند، اکنون بجای رفتن به سینما یا هر جای دیگر، به مجلس می آیند و بر کار ما نظارت می کنند، همینها ما را انتخاب کردند و به اینجا آوردند... پس درست نیست که چنین برخوردی با آنها داشته باشیم... البته تماشاچیان نیز باید مقررات مجلس را رعایت کنند...»

وی آنگاه در مورد توطئه های جدید امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب، بخصوص در غرب کشور، گفت:

«اکنون سروصدهایی هست مربوط به اینکه شیطان بزرگ آمریکا میخواهد عراق و ترکیه و شیخ نشین های خلیج را بسج کند و به کشور انقلابی ما حمله آورد... اما ملت ایران بدانند که ناقوس آزادی و رهایی از اسارتها، ناقوس مقابله استعمار و استبداد، بوسیله انقلاب ما بصدا درآمده است... اکنون نهضت های رهایی بخش رشد کرده اند...»

## آزادی فعالیت ...

بقیه از صفحه ۱

ما به انقلاب و تبلیغ و ترویج اهداف ضد امپریالیستی و خلقی آنست. دهها جلد کتاب و نشریه بقلم اعضاء حزب و کادر رهبری آنست، که در توضیح مسائل انقلاب و ارائه طرح و برنامه درباره حادترین مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور به تحریر درآمده است؛ تشکیل دهها جلسه پرسش و پاسخ؛ دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران است، که کلیه این جلسات وقف روشنگری اقتضای مختلف مردم، بویژه جوانان و تصحیح اشتباهات، ناپاوریها و موارد ابهام آنان درباره انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران و تشریح مواضع حزب توده ایران نسبت به انقلاب و مهمترین مسائل آن شده است؛ برپائی صدها جلسه سخنرانی از سوی مسئولین حزبی در شهرها و روستاهای سراسر کشور است، که دوراندازه ترین اقتضای جامعه را با اهداف انقلاب آشنا و در راه تحقق آن بسیج کرده است؛ فعالیت روزمره همه سازمانها و همه افراد حزبی است که براساس این مشی اصولی و انقلابی انجام گرفته و میگیرد. ما تردید نداشته ایم و نداریم که

امپریالیسم، سرکردگی امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب دست پرورده آن، از پشتیبانی صادقانه حزب توده ایران از نظام جمهوری اسلامی عیقا خشنکین است. این واقعیت را اظهار نظرهای مکرر سران ضدانقلاب از جمله بختیار و نژی، مبنی بر اینکه اگر بقدرت برسند قبل از همه حزب توده ایران را نابود خواهند کرد، تأیید میکند.

دشمن در اجرای سیاست کلی خود، که تفرقه افکنی میان نیروهای انقلابی است، کوشیده است و می کوشد تا با لجن پراکنی به حزب توده ایران، با ایراد اتهام و دشنام، یا تفتین و تحریک، هم حزب توده ایران را از مشی اصولی و انقلابی خود منحرف و از پشتیبانی از انقلاب منحرف سازد و هم نظام جمهوری اسلامی ایران را خصم آشتی ناپذیر توده ایها و نمود کند.

حزب توده ایران از آغاز دقیقاً متوجه این حیلۀ امپریالیسم و کارگزاران داخلی آن بوده است و بهمین دلیل حملات خشن و غیر عادلانه ای که از سوی گروههای مشکوک و پاره ای عناصر ناآگاه بنام دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پیروی از خط امام علیه ما انجام گرفته است، با آنکه برای ما تاسف انگیز بوده، ولی هرگز

ناطق بعدی، اسدی نیا از اهواز، در سخنانی از جمله گفت: «یکی از مطالبی که از ابتدای انقلاب تاکنون به حرکت انقلابی ما لطمه زده است، انتخاب کسانی به تصدی امور بوده است که یا اسلام را نشناخته اند و یا قاطعیت انجام کارها را نداشته اند... در انقلاب ما هیچ خطی بجز خط امام نباید مطرح باشد...»

وی در باره وضع بانکهای کشور گفت: «کجای این سیستم اقتصادی و بانکی ما اسلامی است... اینها چه فکر می کنند؟ خیال می کنند که ملت انقلابی ما به سادگی از این مسائل خواهند گذشت؟ هرگز...»

وی افزود: «مردمرا باید در جریان حوادث مختلف مملکتی گذاشت... بعنوان نمونه آنها باید از جریان توطئه هایی که از جانب آمریکا علیه ما می شود، آگاه باشند... رسانه های گروهی موقتند مسائل مهم مملکتی را به اطلاع مردم برسانند... بدانند که اگر شعار «مرگ امپریالیسم آمریکا» می دهند... آمریکا اکنون تمام نقاط و بخصوص کردستان و خوزستان را مرکز توطئه های خودش قرار داده است... و بدانند که تنها «شعار دادن» خیانت به انقلاب است.»

وی در پایان در باره حوزه انتخابیه خود و فقر و حشمتاک حاکم بر مرزنشینان، که زمینه ساز انواع توطئه است، گفت:

«پس کجاست این اقتصاد اسلامی... ضدانقلاب در همین بمب گذاریهای اخیر عده ای از این مرزنشینان را با ۵۰۰ تومان به خدمت خود در آورده بود... این هشداری است به کلیه مسئولین امر... باید هر چه سریعتر مسئله فقر مناطق مرزنشین را حل کرد... همچنین در باره تبلیغات باید گفت که در نقاط مرزی کردستان این تلویزیون تراق است که آن مناطق را تحت پوشش دارد نه سیمای جمهوری اسلامی ایران...»

قربانعلی دری نجف آبادی، نماینده اردل، آخرین ناطق قبل از دستور دیروز، گفت:

«امپریالیسم جهانخواه، که منافع خود را با پیروزی انقلاب ایران در خطر می داند، از همان ابتدا سعی کرد تا با انواع توطئه ها نگذارد ایران به ثبات سیاسی و اقتصادی دست یابد... او با استفاده از کشورهایی مانند مصر، عمان، عراق، امارات متحده، مرتب به توطئه علیه انقلاب مشغول است... میخواهد مرزهای ما را متشنج کند و در داخل کشور جنگ روانی ایجاد کند و نگذارد که کشتی بزرگ انقلاب به رهبری امام خمینی به ساحل نجات برسد. اینها تفکتهای درباری خود را در عمان می آورند و تجهیزات جنگی در اختیار مزدورانشان در منطقه قرار میدهند... خوانین و گروهکهای ضدانقلابی را در داخل تقویت می کنند...»

وی سپس به زاندارمری کشور و ضعف آن در مقابله با تحریکات مرزی ضدانقلاب اشاره کرد و گفت:

«اولا پاسگاهها کم هستند و ثانيا عده ای از پرسنل آنها هنوز جذب انقلاب نشده اند و از رژیم گذشته اند... پس بازسازی و پاکسازی، تقویت و تجهیز آنها باید جزو برنامه های نخست وزیر و مجلس قرار گیرد... پس از تظلمی قبل از دستور نمایندگان، نوبت به طرح چند ماده واحد با قید دوفوریت رسید. اول ماده واحد مربوط به تمدید مهلت پاکسازی بود. عده ای از نمایندگان طی این طرح خواستار تمدید این مهلت به مدت ۶ ماه دیگر شدند. سپس عزت الله سجادی در مخالفت با فوریت طرح گفت:

«نه تنها تاکنون تمامی افراد ضدانقلابی از ادارات و وزارتخانه ها پاکسازی نشده اند، بلکه کسانی هم که به انقلاب وفادار بوده اند، درین

توانسته است ما را به واکنش های نادرست، غیر اصولی، عصبی و ناپرخدانه وادار کند. ما گمان کردیم در سنگر دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی ایستاده ایم و در آینده نیز از هر آنچه که اصولی و اساسی و منطبق با مصالح انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تشخیص دهیم، مجدانه دفاع خواهیم کرد.

طی یکسال و نیم پس از انقلاب، مشی اصولی و انقلابی حزب توده ایران در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی موجب شده است که افراد و عناصر صدیق، منصف، منطقی و هوشمند، به صداقت و عمق و اهمیت این مشی پی ببرند. ولی متأسفانه گاهی از سوی برخی افراد و گروههای غیر مسئول و گاه مسئول، اقداماتی علیه حزب ما صورت میگیرد و اتهاماتی به ما وارد میشود، که فقط میتواند موجب نهایت تاسف باشد. حاکم شرع دادگاههای انقلاب خوزستان، آقای محمد تقی طباطبائی، در مساجدهای که خرنکار روزنامه جمهوری اسلامی با وی ترتیب داده، در پاسخ سئوالاتی در ارتباط با فعالیت گروههای سیاسی نظیر مجاهدین خلق، فدائیان خلق،

حزب توده ایران و برخی دیگر از گروهها گفته است: «در مقابل رفتار خصمانه گروههای سیاسی در منطقه شدیداً عمل میکنم و اگر از مقررات تعدی کنند، مورد مواخذه قرار میگیرم... آزادی آری، توطئه هرگز.»

درباره چگونگی فعالیت سایر گروههای سیاسی، که آقای طباطبائی به آنها اشاره کرده است، وظیفه خود آنهاست که یا از خود رفع اتهام کنند و یا جرم خویش را بپذیرند. ولی آنجا که به حزب توده ایران مربوط میشود، باید با صراحت و قاطعیت بگوئیم که ما نه هرگز رفتار خصمانه نسبت به انقلاب داشته ایم، نه از مقررات قانونی انحراف جسته ایم و نه علیه انقلاب توطئه کرده ایم. در هیچ ده و شهر و ناحیه و منطقه ای ما هرگز عامل برخورد و درگیری و تشنج و اختلال نبوده ایم. اعضاء حزب توده ایران با خرد و هشيارى انقلابی خود، همواره و خوشوران با تدبیر حزب و مدافعان سرسخت انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانان صادق خط ضد امپریالیستی و خلقی امام خمینی بوده اند، در برابر حملات ناجوانمردانه به مراکز و دفاتر ما، به استقامت کوه از خود بردباری و خوشبختنداری نشان داده اند، و هرگز مصالح عمده

تصفیه شدگان هستند... پاکسازی تنها شامل کنار گذاشتن افراد ضد انقلابی نیست، بلکه شامل دگرگونی نظام اداری حاکم بر محیطهای کشوری نیز می شود...»

وی در پایان خواستار بررسی بیشتر پیرامون مسئله پاکسازی و تدوین ضوابط و آئین نامه دقیق برای آن شد. حجت الاسلام خلغالی در موافقت با فوریت طرح گفت:

«من از مجلس میخواهم که هر چه سریعتر به پاکسازی ادارات و وزارتخانه ها بپردازیم، زیرا این دفعه الوقتها باعث رشد ضدانقلاب می شود. ما باید با قاطعیت جلوی ضدانقلاب را در همه جا بگیریم. ولی ضمناً پاکسازی نباید مهمل به نازاری ترانی بشود...»

سپس دوفوریتی بودن این ماده به رای گذاشته شد و در نتیجه فوریت طرح رد شد و ماده واحد برای بررسی به کمیسیون امور استخدامی مجلس ارائه گشت.

ماده واحد بعدی مربوط بود به حفظ کرسی نمایندگی آندسته از نمایندگان، که به وزارت و یا سایر مقامات اجرائی می رسند. پس از صحبت های فراوان، این ماده واحد به علت مخالفت آشکار این ماده با قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رد شد.

آخرین ماده واحده ای که در جلسه دیروز برای دوفوریتی بودن آن رای گیری شد، مربوط به ترمیم نقش پاسگاهها و جاده های مرزی غرب کشور بود. در توضیح این ماده واحد گفته شد:

«برای جلوگیری از خطراتی که به هنگام پیشروی برادران پاسدار و ارتش در خطوط مرزی بروز می کند، دولت مکلف است موضوع مرمت و بازسازی پاسگاهها و جاده های مرزی را مورد بررسی قرار دهد و اعتبار لازم را برای اسفالت جاده و مرمت پاسگاههای قصر شیرین و... تأمین کند...»

دوفوریتی بودن این طرح با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید. سپس حجت الاسلام رفسنجانی در کمیسیون تدوین آیین نامه خواست که از فردا به بررسی پیشنهادهاى واصله از سوی نمایندگان برای تکمیل آیین نامه بپردازد.

در پایان جلسه دیروز مجلس، اسامی غائبین جلسه گذشته و نام کمیسیونهایی که در تشکیل جلسات و شروع جدی کار تملک کرده بودند، اعلام شد.

جلسه بعدی مجلس (پنجشنبه ساعت ۹ صبح) اعتبارنامه احمد سلامتیان مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت.

## در حاشیه مجلس

نمایندگان از وزیر خارجه ناراضی اند

قائم نماینده بابل، ضمن اشاره به جنبشهای آزادی بخش منطقه گفت: «آنها ایرادی گرفتند و به حق هم ایرادی گرفتند که چرا وزیر خارجه ما در این کشورها می رود و بدون توافقی آنها ملاقات میکنند...»

اسدی نیا، نماینده اهواز، از جمله گفت: «آرژو این وزیر مربوطه در رابطه با وضع سفارتخانه های ایران در خارج آمد و با یک توجیهاتی مسائل را رد کرد... در حالیکه مدارک و اسنادی هست که از جانب سفارتخانه های ما در خارج به انقلاب ما ضربه هم وارد شده است...»

تقاضای مجازات کسانی که وظیفه خود عمل نمی کنند رضا اصفهانی، هنگام طرح دوفوریتی ترمیم پاسگاهها و اسفالت جاده ها در غرب کشور گفت:

«من می گویم اصلاً احتیاج به مطرح کردن این چیزها نیست. درست است، این مسئله ایست فوری و حیاتی و برای همین باید گوش آنها را که این مسائل را می دانستند و تاکنون به آن عمل نکرده اند گرفت و به مجازات قانونی رساند!»

## اجرای فوری اصل قانون اساسی در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی و ایجاد بخش دولتی در توزیع فرآورده های مورد مصرف همگانی، یگانه راه برای کنترل قیمتها و جلوگیری از غارت سرمایه داران بزرگ، دلالان و محنکرو است

انقلاب و جمهوری اسلامی ایران را فدای احساسات خشم آکنی آنسی نکرده اند. آنچه ما خواستیم و طلبیم- کتیم، اجرای قانون اساسی و استقرار نظام انقلابی است تا این جو هرج و مرج و آشوب، که به ضد انقلاب امکان میدهد زیر نقاب دفاع از انقلاب، دفاتر حزب و مراکز فروش نشریات ما را مورد هجوم قرار دهد، به جو امنیت قضائی برای همه گروه های سیاسی وفادار به انقلاب بدل شود. ما که پاکیم، از محاسبه بالاتر داریم!

## نامه مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران  
دارنده امتیاز  
و مدیر مسئول:  
منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸  
دبقر نامه «مردم» فعلا  
در اشغال عناصر  
غیرمسئول است

NAMEH  
MARDOM

No. 318  
27 August 1980

Prices:  
West-Germany 8.80 DM  
France 2 Fr.  
Austria 8 Sch.  
England 20 P.  
Belgium 10 Fr.  
Italy 350 L.  
U.S.A 40 Cts  
Sweden 1.50 Skr.

## برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق